**اعتصاب غذای زندانیان، تاریخچه مناقشه فلسطین و اسرائیل، بایکوت اسرائیل و...!**

**(قسمت سوم)**

**بهرام رحمانی**

[**bahram.rehmani@gmail.com**](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

**جنبش بایکوت حکومت اسرائیل**

**در 9 جولای 2005 و پس از 16 سال گفتگوهای بی‌حاصل صلح سازمان‌های مدنی، افراد و سازمان‌های سیاسی فلسطینی، کمیته ملی بایکوت‌(بی.ان.سی) بیانیه خود را صادر کرد و اعلام کرد که اسرائیل باید بایکوت و تحریم شود تا دست از اشغال‌گری‌اش بردارد. این جنبش خواستار عدالت برای فلسطینی‌ها است و از حق آوارگان فلسطینی برای بازگشت به خانه‌هایشان حمایت می‌کند. این جنبش حمایت همه‌جانبه آمریکا از اسرائیل را محکوم می‌کند و خواهان این است که جامعه جهانی ضعف و ناتوانی‌اش را کنار بگذارد و در برابر سرکوب و ستم و جنگ اسرائیل بایستد.**

**این جنبش، طی حیات کوتاه خویش و بدون داشتن رهبری متمرکز و با وجود تنگناهای شدید مالی، به‌موفقیت‌های بزرگی دست یافته است: بزرگ‌ترین بانک دانمارک، بانک اسرائیلی «هاپوآلیم» را در لیست سیاه خود قرار داد؛ زیرا این بانک از ساخت شهرک در مناطق اشغالی حمایت مالی می‌کرد. بزرگ‌ترین نهاد سرمایه‌گذاری هلند پنج بانک اسرائیلی را به دلیلی مشابه تحریم کرد. بزرگ‌ترین دانشگاه آفریقای جنوبی، دانشگاه ژوهانسبورگ، روابط خود را با دانشگاه «بن‌گوریون» بسیار محدود کرد. «نائومی کلاین»، روزنامه‌نگار مشهور و نویسنده کتاب دکترین شوک، جلوی انتشار کتابش در اسرائیل را گرفت. خواننده مشهور، «الویس کاستلو» از اجرای کنسرت در اسرائیل انصراف داد. «استفان هاوکینگ»، مشهورترین دانشمند جهان، از شرکت در کنفرانسی در اسرائیل خودداری کرد. «کن لوچ»، کارگردان شهیر انگلیسی، دعوت جشنواره فیلم حیفا را رد کرد. در ادامه این تحولات، انجمن مطالعات آسیایی آمریکایی‌ها و چند نهاد دیگر به بایکوت اسرائیل پیوستند.**

**اگرچه هیچ‌کدام از این پیروزی‌ها نتوانسته‌اند وضعیت عینی مردم فلسطین را بهبود ببخشند، اما آن‌ها معادلات جهانی را برهم زده‌اند؛ اسرائیل دیگر نمی‌تواند هرکاری که خواست انجام دهد و هیچ واکنشی نبیند. این جنبش خشونت نهادی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را به دادگاه برده است. علاوه‌ بر این و از همه مهم‌تر، این جنبش باعث شده است تا فلسطینی‌ها نقش فعال‌تری در عرصه سیاسی ایفا کنند.**

****

**جنبش بین­‌المللی بایکوت اسرائیل که در اصل در سال 2005 در مناطق اشغالی فلسطین راه­‌اندازی شد، همواره تلاش کرده‌ است تا با گسترش فعالیت­‌های خود در کشورهای اروپایی به تحقق اهداف خود، که تحریم اسرائیل و بایکوت سیاست‌های جنگ‌طلبانه و اشغال‌گرانه آن است، بپردازد. در راستای فعالیت‌های این جنبش، طبق گزارش روزنامه اسرائیلی هاآرتص، بزرگ‌ترین صندوق کمک هلند به‌نام PGGM همه سرمایه­‌گذاری­‌هایش در 5 بانک بزرگ اسرائیل را ملغی اعلام کرده است. در اقدامی مشابه، «دانسک بانک» دانمارک حساب­‌هایش را در بانک «هابوعلیم» اسرائیل مسدود کرده است. بانک مرکزی آلمان نیز هابوعلیم را به سبب حمایتش از شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در اراضی فلسطینی در فهرست «شرکت‌های حامی اقدامات غیراخلاقی» و لیست سیاه خود قرار داد. از سوی دیگر، کمپانی نفت نروژ نیز سرمایه خود را از چندین بنگاه اقتصادی اسرائیلی خارج ساخته است. این اقدامات پس از آن صورت گرفت که این بانک­‌ها و کمپانی­‌ها متوجه شدند که بنگاه­‌های یاد شده در زمینه شهرک­سازی فعالیت دارند.**

**این جنبش هم‌چنین، موفق شد که شرکت «ویولیا» از بزرگ­ترین شرکت­های فرانسوی را مجبور کند که با تحمل ضرر و زیان فراوان، قراردادهای خود را در اراضی اشغالی فلسطین واگذار کند. این شرکت فرانسوی اعلام کرد که همه طرح­‌های خود در زمینه­‌های آب، مدیریت پسماند و انرژی را در اراضی اشغالی واگذار کرده و فقط قرارداد مربوط به قطارهای درون شهری باقی مانده که برای تسهیل عبور و مرور در شهرک­های یهودی‌نشین، اجرا می‌‌شود. اقدام انجمن مطالعات آمریکا در تحریم موسسات آکادمیک اسرائیل، یکی دیگر از تلاش­های مهم بین­‌المللی در این زمینه بوده است. از دیگر دستاوردهای این کمپین بایکوت اسرائیل، بی‌ارزش ساختن مدارک تحصیلی اخذ شده در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و عدم مقبولیت مدارک آن‌ها در مجامع بین‌المللی است. به‌عنوان مثال، بیش از 120 موسسه تحصیلی ایرلندی مدارک تحصیلی اسرائیل را فاقد اعتبار دانسته‌اند. در يكی از آخرين موارد، اتحاديه ملی دانشجويان انگليس به جنبش تحريم اسرائيل پيوست كه باعث خشم مقام‌های حکومت اسرائیل شد.**

**اعتراض مردم آزاده و مبارزه و مترقی جهان، به اقداماتی مانند شهرک­سازی، تشکیل گروه­‌های مختلف حامی فلسطین، ایجاد صفحات مجازی ضد حکومت اسرائیل، راه­‌اندازی کمپین تحریم، فشار بر حکومت­‌ها برای اتخاذ شیوه‌‌های جدی­‌تر در سطوح دیپلماتیک علیه اسرائیل و... از جمله مواردی است که نشان می­‌دهد افکار عمومی مردم آزاده جهان، نسبت به حکومت اسرائیل منفی است و در نتیجه‌ این فشار افکار عمومی است که بسیاری از موسسات مالی، بانک­‌ها و شرکت­‌های اقتصادی مجبور به تجدیدنظر در روابط خود با این حکومت شده‌‌اند.**

**هم‌چنین طی سال‌های اخیر، بسیاری از موسسات دانشگاهی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی کشورهای اروپایی به سبب تداوم منازعه فلسطینی ـ اسرائیلی و اقدامات جنگ‌ظلبانه و ظالمانه حکومت و ارتش و نیروهای امنیتی اسرائیل علیه فلسطینیان، جنبش تحریم بین­‌المللی علیه آن به راه انداخته­‌اند. این کمپین بایکوت در اروپا و آمریکا و تلاش دارد به بررسی جنبش بین­‌المللی تحریم اسرائیل «BDS» و فعالیت­‌های آن می‌پردازد.**

**جنبش بی.دی.اس(BDS)  در سال 2005 تاسیس شد، این عبارت اختصار سه کلمه‌(Boycott) به‌معنای تحریم، (Divestment) خارج کردن سرمایه‌گذاری‌ها و (Sanctions) به‌معنای تحریم است. این جنبش بیش‌تر اهداف و استراتژی خود را از جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده آمریکا و جنبش مبارزه بر ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی برداشت کرده است. بیش از 370 سازمان غیر دولتی فلسطینی و احزاب سیاسی و سندیکاهای حرفه‌ای و هیئت‌ها و اتحادیه‌های مختلف و جنبش‌های مردمی تومار درخواست برای تحریم حکومت اسرائیل را امضاء کردند.**

**همان‌طور که در پایگاه اینترنتی این جنبش آمده است، درخواست تحریم اسرائیل با هدف اذعان به حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت و تسلیم شدن این حکومت در برابر قوانین بین‌الملل از طریق اقدامات زیر است:**

**\* اول: پایان اشغال‌گری و استعمار اراضی عربی و از بین بردن دیوار حائل؛**

**\*دوم: به رسمیت شناختن حق اساسی برابری کامل شهروندان عرب فلسطینی؛**

**\*سوم: اجرای حق بازگشت بر اساس مصوبه شماره 194 سازمان ملل متحد.**

**مطالبات سه‌جانبه جنبش تحریم اسرائیل مبتنی بر مطالبات و مظلومیت تمامی فلسطینی‌ها و نه تنها فلسطینی‌های کرانه باختری و نوار غزه است که تنها 38 درصد از مجموع فلسطینی‌های ساکن در گوشه و کنار دنیا را تشکیل می‌دهند. این جنبش سعی دارد مطالبات آوارگان فلسطینی را که حدود 50 درصد از فلسطینی‌ها را تشکیل می‌دهند برآورده کند، علاوه‌ بر این افراد، فلسطینی‌های مقیم سرزمین‌های اشغالی سال 1948 که حدود 12 درصد از مجموع فلسطینی‌ها هستند که هدف نژادپرستی روزافزون حکومت اسرائیل قرار دارند.**

**جنبش بایکوت اسرائیل، تنها بر روی جنایت‌های انجام شده بر ضد تمامی فلسطینی‌ها متمرکز شده و به همین علت در معرض انتقاداتی مبنی بر ابهام در مواضع سیاسی قرار گرفته است. گفته می‌شود که این جنبش برنامه متحدی برای راه‌حل سیاسی تحولات ندارد و برخی از هواداران و فعالان آن رویکرد تشکیل یک دولت و برخی دیگر نیز تشکیل دو دولت را مطرح می‌کنند.**

**فعالان جنبش بایکوت اسرائیل، مجموعه گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند که از مرزهای ملی و منطقه‌ای تا عرصه بین‌المللی فراتر رفته است. این جنبش، به‌صورت گسترده‌ای بر فعالیت‌های داوطلبانه افراد و موسسات حامی حقوق فلسطینی در تمامی دنیا و ابتکارهای فردی و  جمعی سازمان‌دهی‌شده متکی است.**

**این جنبش اقدامات خود را در این زمینه با متحدانش در تمامی دنیا هماهنگ می‌کند. هم‌چنین تعدادی از اسراییلی‌های حامی آرمان فلسطین و مخالفان رویکردهای «صهیونیستی» که اهداف این جنبش در بایکوت حکومت اسرائیل را پذیرفته‌اند، در آن حضور دارند. این رویکرد باعث شده دیدگاه حکومت اسرائیل که در غرب این جنبش را یهودی ستیز معرفی می‌کند خنثی گردد و از بین برود.**

**استراتژی جنبش بایکوت اسرائیل و پشتیبانان آن را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد، بخش داخلی و بخش خارجی.**

**اول: فعالیت‌های خارجی:‌ استراتژی جنبش بی.دی.اس مبتنی بر تغییر تدریجی است که از طریق آن گام اولیه برای تحریم اسرائیل و خارج کردن سرمایه‌گذاری‌ها در تمامی ابعاد اقتصادی و علمی و فرهنگی و ورزشی و نظامی از سرزمین‌های اشغالی به اجرا گذاشته شود. به این ترتیب می‌توان به‌هدف نهایی یعنی انزوای اسرائیل و تحمیل محاصره بین‌المللی بر این حکومت در ابعاد متعدد رسید.**

**بی دی اس پیچیدگی ائتلاف‌های بین‌المللی حامی اسرائیل و اختلاف رویکردهای بین‌المللی در این رابطه را می‌داند. به همین علت رویکرد خود را براساس «حساسیت روش» قرار داده است،‌ به این معنا که فعالیت جنبش و متحدان آن بر اساس ترسیم اهداف و استراتژی‌ها بر اساس شرایط داخلی و روش تعامل با آن‌ها است.**

**به‌همین علت فعالیت‌های متعدد جنبش مذکور به‌صورت غیرمتمرکز دنبال می‌شود، برخی از فعالان این جنبش ممکن است تصمیم به تحریم تمامی دانشگاه‌های اسرائیل بگیرند،‌ در حالی‌ که برخی دیگر تحریم شرکت‌های فعال در سرمایه‌گذاری به شکل غیرقانونی در شهرک‌های «صهیونیست‌نشین» کرانه باختری و اراضی اشغالی سال 1967 را در دستور کار قرار دهند. بر همین اساس است که بیش‌تر فعالان اروپایی این جنبش به‌عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در شهرک‌های «صهیونیست‌نشین» را تحریم کردند، چرا که این اقدامات نه تنها نقض قوانین بین‌الملل به‌شمار می‌رود، بلکه قوانین و اقدامات اروپایی در زمینه ممنوعیت سرمایه‌گذاری در شهرک‌های صهیونیست‌نشین را نیز نقض می‌کند.**

**در عین حال برخی نیز مانند نویسنده این مطلب، بایکوت اقتصادی اسرائیل و هیچ کشور دیگری را قبول ندارند. چون که چنین تحریم‌هایی قبل از این که به حاکمیت ضربه بزند به زیست و زندگی و معیشت شهروندان عادی لطمه شدیدی وارد می‌کند که نتیجه فاجعه‌بار و غیرانسانی آن را در عراق و ایران دیده‌ایم. اما بایکوت سیاسی حکومت اسرائیل و از جمله عدم فروش سلاح و دستگاه‌های سرکوب به این حکومت و هرگونه همراهی و هم‌گامی با سیاست‌های جنگ‌طلبانه و اشغال‌گرانه آن را باید شدیدا محکوم کرد.**

**در زمینه اجبار شرکت‌ها برای خارج کردن سرمایه‌گذاری از اسرائیل، فعالان این جنبش رویکردهای منظم و مستمری را برای حمله به شرکت‌های سرمایه‌گذار در اسرائیل‌(به‌ویژه در بخش شهرک‌سازی در کرانه باختری) آغاز کرده‌اند. آن‌ها شرکت‌های مذکور را تهدید به تحریم تولیدات یا تحریک به این اقدامات می‌کنند. یعنی جنبش مذکور سعی دارد افکار عمومی مصرف‌کنندگان را برای امتناع از خرید تولیدات و خدمات شرکت‌های مذکور بسیج کند و اعتبار شرکت‌های مذکور را بین مشتریانش از بین ببرد تا فشارها بر این شرکت‌ها را جهت خروج سرمایه‌هایش از فلسطین اشغالی افزایش دهد.**

**دوم: اقدامات داخلی: استراتژی جنبش بی.دی.اس در داخل اراضی اشغالی سال 1967، مبتنی برتحریم کالاها و مؤسسات اسرائیلی و آگاه‌سازی فلسطینی‌ها در زمینه اهمیت این تحریم است. کمیته ملی تحریم کالاهای اسرائیلی و کمیته هماهنگی تحریم مردمی که اخیرا تشکیل شده است یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که برای بسیج افکار عمومی در این راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جنبش هم‌چنین به‌دنبال تشدید رویکرد تولیدات ملی و ایجاد جایگزین‌ها در برابر کالاهای اسرائیلی از نظر کیفیت و قیمت است.**

**با وجود این‌که هیچ آمار واقعی از خسارت‌های وارد شده به اقتصاد حکومت اسرائیل در نتیجه تحریم اقتصادی آن وجود ندارد، اما دفتر مرکزی آمار حکومت اسرائیل معتقد است که اقتصاد اسرائیل در نتیجه تحریم اروپایی بر ضد تولیدات کشاورزی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین در سال‌های 2013 و 2014 بالغ بر 6 میلیارد دلار خسارت دیده است و احتمال دارد حجم این خسارت هم‌چنان رو به افزایش باشد.**

**علاوه بر این‌ها در گذشته اعلام شده است که تعداد زیادی از شرکت‌های بزرگ یا بانک‌ها سرمایه‌گذاری، سرمایه‌های خود از فلسطین اشغالی و شرکت‌های حامی آن را خارج کرده‌اند، به‌عنوان مثال صندوق بیل گیتس سرمایه‌گذاری‌های خود به ارزش 182 میلیون دلار را از شرکت امنیتی «G4S» که بزرگ‌ترین شرکت امنیتی در جهان به‌شمار می‌رود و خدماتی را به حکومت اسرائیل در زمینه حمایت از موانع نظامی و مدیریت زندان ارائه می‌کند، خارج کرده است.**

**این حکومت، هم‌چنین مجموعه‌ای از قراردادهای خود در انگلیس و نروژ با اتحادیه اروپا و جنوب آفریقا را از دست داده است. علاوه بر این‌ها بخشی از صندوق‌های بزرگ بازنشستگی و شرکت‌ها و بانک‌ها مانند صندوق بازنشستگی هلند‌(PGGM) و صندوق بازنشستگی دولتی نروژ سرمایه‌گذاری‌های خود را از شرکت‌های اسرائیلی که از روند اشغال‌گری و شهرک‌سازی اسرائیلی حمایت می‌کنند، خارج کرده‌اند.**

**در این راستا برخی از شرکت‌های اسرائیلی، قراردادهای خود با کشورهای مختلف دنیا را از دست می‌دهند. این روند نیز در نتیجه فعالیت جنبش بایکوت اسرائیل است. مانند شرکت آبرسانی میکوروت که یک قرارداد به ارزش 170 میلیون دلار را در آرژانتین از دست داد. همین شرکت قراردادهای خود با هلند و پرتغال را نیز از دست داد.**

**با وجود موفقیت‌های متمادی جنبش تحریم اسرائیل در ابعاد بین‌المللی، اما تاثیرگذاری این جنبش هم‌چنان در سطح داخلی ضعیف است، چرا که بازارهای فلسطینی بعد از بازارهای آمریکا از نظر فروش کالاهای اسرائیلی در رتبه دوم قرار دارد. این موضوع تا حد زیادی به ضعف هماهنگی بین جنبش بایکوت اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین باز می‌گردد.**

**تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری محمود عباس، هم‌چنان بر روی احیای روند سازش و مذاکرات دوجانبه با طرف اسرائیلی حساب کرده است و نسبت به واکنش این حکومت در صورت پذیرش طرح تحریم فراگیر آن می‌ترسد. اگر این نکته را مدنظر داشته باشیم که تشکیلات خودگردان فلسطین به توافق اقتصادی پاریس که تسلط این تشکیلات بر بازارهای داخلی فلسطین و گذرگاه‌های خارجی آن را تضعیف می‌کند، پایبند بماند، این موضوع عامل دیگری در تضعیف بازدارندگی داخلی فلسطین در برابر اقدامات جنبش بایکوت اسرائیل است.**

**هم‌چنین تحریم کالاهای اسرائیلی در نوار غزه نیز بسیار مشکل است،‌ به‌ویژه بعد از این‌که تونل‌های ارتباط بین مصر و نوار غزه از بین رفته و حکومت اسرائیل محاصره اقتصادی و تخریب کارگاه‌های غزه را در جنگ اخیر تشدید کرده است.**

**با وجودی که حدود 12 سال از تاسیس جنبش بی.دی.اس می‌گذرد،‌ اما دستاوردهای عملی و نگرانی روزافزون اسرائیل از تاثیرات این جنبش در سال‌های اخیر خود را نشان داده است، با وجود این‌که اطلاعات دقیقی در مورد تاثیر وسیع و تحریم کالاها بر حکومت اسرائیل به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم وجود ندارد، اما واکنش‌های تند حکومت اسرائیل در مورد فعالیت‌های این جنبش و برخی شاخص‌های اقتصادی نشان از آن دارد که فعالیت‌های جنبش بی.دی.اس به عامل مهمی برای نگرانی سران حکومت اسرائیل تبدیل شده است.**

**در مورد تحریم آکادمیک و فرهنگی،‌ جنبش مذکور اخیرا رویکرد گسترده و جهانی برای تحریم علمی موسسات اسرائیلی آغاز کرده که باعث نگرانی سران اسرائیل از تاثیر این تحریم‌ها بر دانشگاه‌های اسرائیل شده است. به این ترتیب، تصمیم‌سازی‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در آینده نیز تحت تاثیر این تحریم‌ها قرار خواهد گرفت.**

**برای مثال، در نتیجه تلاش‌های متوالی فعالان این جنبش، اتحادیه دانشجویان انگلیس که حدود 70 میلیون عضو دارد، به‌این تحریم‌ها پیوستند. هم‌چنین اتحادیه دانشجویان در ایالت مهم اونتاریا نیز که بالغ بر 300 هزار عضو است، به این جنبش ملحق شدند. علاوه بر این‌ها، برخی دانشگاه‌ها نظیر دانشگاه دی پول و وسترن شمالی آمریکا،‌ موسسات آموزشی حکومت اسرائیل را بایکوت کرده‌اند.**

**مصاحبه مارک لوین با لیزا تراکی در سال 1393 درباره جنبش «بایکوت اسرائیل» (BDS) را می‌توان به منزله مبارزه‌ای علیه استعمار، اشغال‌گری و آپارتاید اسراییلی ارزیابی کرد. این جنبش در واقع یک راهبرد حق‌محور و عدالت‌محور است که تا زمانی که اسرائیل حق سلب‌ناشدنی مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود را به‌رسمیت نشناسد و از الزامات حقوق بین‌الملل پیروی نکند، هم‌چنان ادامه خواهد داشت.**

**مارک لوین: جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» چیست و چه نسبتی با جنبش تحریم فرهنگی و آکادمیک اسراییل دارد؟ اهداف و روش‌های این دوجنبش، طی سالیان گذشته، چگونه رشد کرده و تحول یافته‌اند؟**

**لیزا تراکی: جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» را می‌توان به منزله مبارزه‌ای علیه استعمار، اشغالگری و آپارتاید اسراییلی ارزیابی کرد. این جنبش درواقع یک راهبرد حق‌محور است که تا زمانی که اسراییل حق سلب‌ناشدنی مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود را به رسمیت نشناسد و از الزامات حقوق بین‌الملل پیروی نکند، هم‌چنان ادامه خواهد داشت. در همین چارچوب، تحریم فرهنگی و آکادمیک اسرائیل نیز توانسته است از زمان آغاز به کار «کارزار فلسطینی تحریم آکادمیک و فرهنگی اسرائیل» (PACBI) در سال 2004، قدرت و نفوذ قابل‌ملاحظه‌ای به دست آورد. اهداف این فراخوان، درست همانند دیگر فراخوان جامعه مدنی فلسطین برای تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل که در سال 2005 صادر شد تا به امروز ثابت و یک‌دست باقی مانده است: پایان‌دادن به استعمار سرزمین‌های فلسطینی اشغال‌شده در 1967، تضمین برابری تام شهروندان فلسطینی در اسراییل و خاتمه‌دادن به نظام تبعیض نژادی و احقاق حقوق پناهندگان فلسطینی برای بازگشت به خانه و مایملک خود، چنان‌که در قطعنامه 194 مجمع‌عمومی سازمان‌ملل متحد به صراحت قید شده است.**

**منطق جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» نیز متداوم بوده است. منطق اصلی این جنبش همانا منطق فشار است و نه دیپلماسی، اقناع یا گفت‌وگو. دیپلماسی به‌مثابه راهبردی برای احقاق حقوق فلسطینی‌ها، در عمل و به‌دلیل حمایت و مصونیتی که از سوی قدرت‌های هژمونیک جهانی و اقمار آنان نصیب اسرائیل می‌شود، بی‌ثمر بوده است. در مرتبه دوم، اقناع نیز منطقی ورشکسته نشان داده است؛ چرا که به‌نظر نمی‌رسد «آموزش» به اسرائیلی‌ها در باب دهشت‌های ناشی از اشغال‌گری و اشکال دیگر ظلم و ستم، با هر ابعادی که داشته است، تغییری اساسی در وضعیت به وجود آورده باشد. منطق برقراری گفت‌وگو مابین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نیز که کماکان در میان لیبرال‌های اسرائیلی و نهادها و دولت‌های غربی حامی مالی آنان از محبوبیت بالایی برخوردار است، به شکستی مصیبت‌بار انجامیده است. گفت‌وگو اغلب در چارچوب «طرفین ماجرا» تنظیم می‌شود؛ به این معنا که هریک از طرفین باید ضمن درک و فهم درد، رنج و تشویش دیگری، روایت او را نیز قبول و باور داشته باشد. بنابراین گفت‌وگو و مقتضیات آن، طرفین ماجرا را به‌گونه‌ای معرفی می‌کند که گویی هردو به یک اندازه مقصرند و آگاهانه از اذعان به وجود رابطه بنیادی استعمارگر-استعمارزده سر باز می‌زنند. گفت‌وگو موجد هیچ‌گونه تغییری نیست، بلکه بیشتر موجب استحکام وضع موجود شده و در حقیقت از آنجایی که به اسراییلی‌ها این احساس را می‌دهد که در عین بی‌عملی، در حال برداشتن قدم‌هایی جهت رفع منازعه هستند، عمدتا هم‌راستای منافع طرف اسراییلی‌ است. به این‌ترتیب، منطق تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل منطق فشار است و این فشار نیز روزبه‌روز شدت بیش‌تری یافته است. تحریم آکادمیک و فرهنگی اسرائیل نیز که به رهبری فلسطینی‌ها به راه افتاده است، تحریمی سازمانی است. به‌عبارت دیگر، محققان یا هنرمندان منفرد، آماج این تحریم‌ها قرار نمی‌گیرند؛ رویه‌ای که از بدو پیدایش جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی» پا برجا بوده است. با این حال، باید همین‌جا اعلام کنم تمامی دانشگاه‌های اسراییل و تقریبا تمام گستره نهادهای فرهنگی اسرائیلی در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی هم‌دست بوده و از این رهگذر، اهدافی بر حق برای اعمال تحریم‌ها هستند. البته که از زمان برپایی این جنبش تاکنون و با کسب تجربیات بیشتر در این زمینه، دستورالعمل‌ها و معیارهایی مبسوط و مفصل برای تحریم تدوین شده تا پاسخ‌گوی درخواست راهنمایی از سوی آن گروه از دانشگاهی‌ها و کارگزاران فرهنگی باشد که مایل به همراهی با فراخوان فلسطینی‌ها بوده‌اند. این «کارزار فلسطینی، تحریم آکادمیک و فرهنگی اسرائیل» است که به‌خصوص تلاش زیادی صرف هدایت و راهنمایی فعالان همبستگی بین‌المللی می‌کند. انسجام و هماهنگی موردنظر به‌واسطه رعایت دستورالعمل‌های صادره از سوی این کمپین و در هم‌یاری با دیگر ارکان جنبش فلسطینی «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسرائیل» محقق می‌شود. امروزه چهره‌های سرشناس جهانی، از روشنفکران عرصه عمومی گرفته تا دانشگاهی‌ها، نویسندگان، هنرمندان، موزیسین‌ها و دیگر کارگزاران فرهنگی، همگی از فراخوان تحریم آکادمیک و فرهنگی حمایت کرده‌اند. در این‌جا مجالی برای طرح اسامی بی‌شمار آنان وجود ندارد، اما خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند به وب‌سایت کارزار فلسطینی تحریم آکادمیک و فرهنگی اسراییل مراجعه کنند. افزون بر این، در اقصی‌نقاط دنیا از جمله بریتانیا، ایالات‌متحده، فرانسه، پاکستان، لبنان، آلمان، نروژ، هندوستان، اسپانیا، آفریقای‌جنوبی، استرالیا و برخی دیگر از کشورها، کارزارهای متعددی به‌منظور تحریم فرهنگی و آکادمیک اسرائیل برپا شده است. در این میان می‌توان به «پلتفرم اروپایی برای تحریم آکادمیک و فرهنگی اسرائیل» (EPACBI) اشاره داشت که یک نهاد هماهنگ‌کننده تازه‌تاسیس و پرنفوذ در اروپاست. حمله مرگ‌بار اسرائیل به نوارغزه در زمستان 2009-2008 و قتل فعالان همبستگی ترک بر عرشه کشتی ماوی مرمره در ماه ‌می 2010، هم‌چون عاملی شتاب‌دهنده، به روند گسترش هرچه بیش‌تر فعالیت‌های جنبش «تحریم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی اسراییل» یاری رسانده است؛ کنش‌هایی اعم از لغو اجرای برنامه‌های هنری در اسراییل، اعتراض علیه اجراهای صورت‌گرفته از سوی نهادهای اسرائیلی هم‌دست دولت در خارج از کشور‌(از قبیل اعتراضات پیشین و کنونی پیرامون اجرای برنامه از سوی ارکستر فیلارمونیک اسراییل) و بسیاری اشکال خلاقانه و بدیع‌تر دیگر از اعتراض و تحریم علیه آن قسم پروژه‌ها و نهادهای اسراییلی که در راستای کمپین تبلیغاتی «برند اسرائیل» ایفای نقش می‌کنند.**

**در اواخر سال 1393، دانشکده شرق‌شناسی و آفریقای دانشگاه لندن از تحریم اسرائیل برای فشار بر حکومت اسرائیل و پایان دادن به اشغال فلسطین خبر داده بود. دانشجویان و کارکنان دانشکده شرق‌شناسی و آفریقای دانشگاه لندن، در همه‌پرسی یک هفته‌ای، تحریم دانشگاهی اسرائیل را به تصویب رساندند.**

**شبکه خبری پرس تی‌وی، خبر داد همه دانشجویان، چهره‌های دانشگاهی و کارکنان بخش مدیریت این دانشکده این تصمیم را با نتیجه 73 درصد موافق و 27 درصد مخالف، تحریم علیه اسراییل را به تصویب رساندند.**

**این همه پرسی برای تحریم آکادمیک علیه حکومت اسرائیل و بر اساس ساختارهای «کمپین فلسطینی تحریم دانشگاهی و فرهنگی اسرائیل» صورت گرفت.**

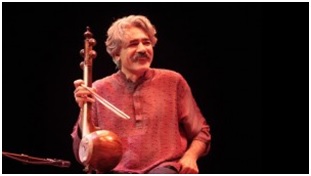


**حمایت از مردم فلسطین یکی از عادلانه‌ترین مسایل انسانی است؛ مسئله رهایی از جنگ و خانه‌خرابی، استثمار، برابری زنان، ممنوعیت کار کودکان و غیره. در برابر هیچ یک از این مسایل نمی‌توان بی‌طرف بود. در نتیجه برخی به‌حمایت از اشغال‌گران و نژادپرستان اسرائیلی می‌پردازند و برخی برعکس، جانب آزادی و حق و عدالت را می‌گیرند.**

**در بین هنرمندان نیز کم نیستند کسانی که تاکنون از مردم فلسطین حمایت کرده اند. از جمله، میکیس تئودوراکیس، آهنگ‌ساز نامدار یونانی آهنگی برای سرود ملی فلسطین ساخت و آن را در 1993 به یاسر عرفات تقدیم کرد.**

**چندی پیش نیز استاد کیهان کلهر آهنگی به نام «سمفونی برای فلسطین» ساخته که همکاری فوق‌العاده‌ای ست بین یک ارکستر آلمانی و نوازندگان فلسطینی و شهروندان دیگر. «سمفونی برای فلسطین» کیهان کلهر از نظر موسیقایی فراتر از مرزهایی می‌رود که کنسرت، تور خود را اجرا می‌کند. این قطعه ترکیبی از ملودی‌های سنتی ایرانی، موسیقی عامیانه عربی، نوای ارکستری اروپایی، همراه با سازهای سنتی شرقی مانند عود، کمانچه و قانون است. اثری ترکیبی، چند لایه، تکان‌دهنده و پر از غم و اندوه و امید.**

**رهبر ارکستر ایتالیایی: آندریا مولینو، مدیر هنری تور نیز هست. «درسدن سمفونیک» این قطعه را با همراهی مهری اسداللهی: کمانچه، کمیل شجراوی: ویولن، نرمین حسنوا: قانون، امیل بشاره: عود و نعیم سرحان: پرکاشن اجرا می کند. ارکستر سمفونیک درسدن آلمان آثار کیهان کلهر را در فلسطین اجرا می‌کند.‌(منبع: سایت پیکار و اندیشه)**

****

**در اواخر سال 1395،  بعد از آن که «ناتالی ایمبرولیا»، خواننده استرالیایی - انگلیسی تبار تصمیم گرفت در سرزمین‌های اشغالی، کنسرت جدیدش را برگزار کند، عده‌ای از ساکنان این منطقه با نوشتن نامه‌ای به او خواهان تجدید نظر وی شدند. آن‌ها در این نامه متذکر شده اند که حکومت اسرائیل، یک رژیم آپارتاید است و تنها راه متوقف کردن آن بایکوت است. آن‌ها از ایمبرولیا خواستند تا هم‌صدا با درخواست فلسطینی‌ها مبنی بر بایکوت حکومت اسرائیل، کنسرت خود در سرزمین‌های اشغالی را لغو کند. این گروه در نامه خود بخشی از جنایات اسرائیل علیه مردم ستم‌دیده فلسطین را هم یادآور شدند. به‌عنوان مثال، سال گذشته این حکومت 109 فلسطینی بی‌گناه را کشته که درصد قابل توجهی از آن‌ها زیر سن قانونی بودند. بر اساس آمار سازمان ملل 1/1 میلیون فلسطینی در غزه محتاج کمک‌های انسان دوستانه هستند. همه این‌ها در حالی است که اسرائیل با ایجاد کمپینی این تصویر را در ذهن مردم جهان ساخته که تل آویو یک شهر «فرهنگی» و «آرام» و بر پایه دموکراسی است.**

**کم‌تر کسی به تغییر نظر ایمبرولیا فکر می‌کرد. سوابق او و کارهایی که در گذشته کرده است نسبتی با جریان آرمانی و اعتقادی فلسطین آزاد نداشته است. ایمبرولیا با یک تحول شگفت‌آور بالاخره تصمیمش را اعلام کرد. او در راستای همین نامه کنسرت ماه مارس خودش را در سرزمین‌های اشغالی لغو کرده است. اما یک دعوای رسانه‌ای را در فضای مجازی داغ کرده است. وب‌سایت اخبار ملی اسرائیل، با پوشش دادن این خبر، لغو کنسرت تل آویو ایمبرولیا را ناشی از فشار جنبش «بایکوت اسرائیل» می‌داند. جنبشی که به عقیده این وب‌سایت «ضد یهودی» است! در انتهای خبر این سایت با لحنی مضحک آمده است: «لغو کنسرت ایمبرولیا در حالی است که تعداد زیادی از خواننده‌های درجه یک در سال آینده برای برگزاری برنامه به اسرائیل سفر خواهند کرد. چهره و گروه‌هایی مثل «فت بوی اسلیم»، «ریدیو هد»، «د پیکسیز»، «جاستین بیبر»، «ایرواسمیت»، «راد استوارت»، «گانز ان روزز» و «نیک کیو»!»؛ معلوم نیست، شاید سرنوشت همه این آدم‌ها هم شبیه ایمبرولیا شود. برخی از مذاکرات متعدد شخصیت‌های فرهنگی حکومت اسرائیل با ایمبرولیا خبر داده‌اند تا شاید بتوانند نظرش را عوض کنند اما او هنوز بر موضعش باقی مانده است.**

**پس از این اتفاقات وب‌سایت «بایکوت اسرائیل» هم در متنی، پیام تشکر هنرمندان، فعالان فرهنگی و حقوق بشر فلسطینی را منتشر کرده است. در متن این پیام آمده است: «ما از ناتالی ایمبرولیا تشکر می‌کنیم که تصمیم گرفت در سمت درست و مظلوم تاریخ بایستد.»**

**اما موج بایکوت اسرائیل فقط به یک خواننده خاص ختم نمی‌شود. پس از پایان یافتن رقابت‌های این فصل لیگ ملی فوتبال آمریکایی ایالات متحده، دولت نتانیاهو از بازیکنان سرشناس این لیگ برای یک سفر تبلیغاتی به سرزمین‌های اشغالی دعوت به‌عمل آورده بود. اما چهار بازیکن بعد از متوجه شدن پشتیبانی دولت اسرائیل از این سفر، تصمیم به لغو آن گرفتند. نفر اول مایکل بنت، مدافع تیم سیاتل سیهاوک بود. او سال 2014 عضو تیم قهرمان رقابت‌های سوپرباول بوده است و سال 2015 هم عنوان بهترین مدافع را به خودش اختصاص داده. کنی استیلز، بازیکن تیم میامی دولفینز و جاستین فورست از تیم دنور برانکوز هم دو تن دیگر از بایکوت‌کنندگان حکومت اشغال‌گر اسرائیل است. نکته جالب توجه این که برادر مایکل بنت، مارتلوس هم بازیکن فوتبال است. او سال گذشته با تیم نیوانگلند پاتریوتس یک شگفتی بزرگ را خلق کرد و قهرمان رقابت‌های سوپرباول شد. او به‌عنوان یکی از اعضای تیم قهرمان لیگ ملی به کاخ سفید دعوت شد اما با بیان این که از فردی که داخل آن است حمایت نمی‌کند، حاضر به دیدار با دونالد ترامپ نشد. او هم یکی دیگر از افرادی است که به اسرائیل سفر نخواهد کرد.**

**دنی گلوور بازیگر سرشناس آمریکایی که سابقه بازی در فیلم‌های «فرار از آلکاتراز»، «شوتر» و «2012» را هم در پرونده خودش دارد همراه با آنجلا دیویس، فعال و نویسنده سیاسی و آلیس واکر نویسنده برنده جایزه پولیتزر کتاب «رنگ ارغوانی»‌(که در سال 1985 منبع اقتباس سینمایی استیون اسپیلبرگ قرار گرفت) از دیگر افراد سرشناسی هستند که به کمپین بایکوت اسرائیل پیوسته‌اند.**

**پروفسور کاترین هال، مورخ برجسته انگلیسی، جایزه 225 هزار پوندی اسرائیل را رد کرد. او گفته بایکوت این جایزه «یک تصمیم سیاسی مستقل» بوده است. پروفسور هال، روی تاریخ روابط استعماری کار می‌کند و فمینیست است.**

**بحث‌هایی که در آمریکا درباره جنبش بایکوت صورت می‌گیرد و اساسا نزاع میان فلسطین و اسرائیل، یا در چارچوب بحث از منافع ملی آمریکا در خاورمیانه است یا در چارچوب نزاع میان یهودیان درباره آینده حکومت اسرائیل. فلسطینی‌ها از مباحث به‌کلی حذف می‌شوند و اگر هم سخنی از آن‌ها به میان آید یا به‌عنوان قربانیان بی‌گناه است یا یادگاری‌هایی صوری، یا آدم‌هایی در شُرف تروریست‌شدن. اما اشغال خانه‌های فلسطینی به دست شهرک‌نشینان، داستانی نیست که رسانه‌ها درباره‌اش بنویسند. این مسئله‌ای مرکزی است که هم‌سو با هدف اسرائیل برای کوچِ اجباری جمعیت‌های فلسطینی و ساختن شهرک‌های یهودی‌نشین است. جنبش بایکوت با تمرکز بر خواسته‌ها و مطالبات فلسطینی‌ها مشروعیت خشونت ساختاری علیه آنان را به چالش می‌طلبد. به‌همین دلیل است که واکنش‌ها به پیوستن انجمن مطالعات آمریکایی به بایکوت، تلاش نمی‌کند پیمان شکل‌گرفته علیه اسرائیل را به چالش بکشد، بلکه می‌کوشد کلیه حرف و حدیث‌هایی که در این باره هست به یک‌باره سانسور و خفه کند. نمایندگان مجلس در نیویورک، مریلند و ایلینویز طرحی را آمادۀ تصویب کرده‌اند که براساس آن، کمک‌هزینه‌هایی که به دپارتمان‌های مطالعات آمریکایی حامیِ بایکوت پرداخت می‌شده، قطع شوند. بسیاری از روسای دانشگاه‌ها به‌صورت یک‌جانبه جنبش بایکوت را محکوم کرده‌اند، بدون این‌که با دانشکده‌های خود مشورت کنند. «بنیامین نتانیاهو» جنبش بایکوت را جنبشی یهودستیزانه خوانده است. اما جنبش بایکوت چیزی نیست مگر ابزاری سیاسی برای این‌که دولتی را که به دیپلماسی اعتقاد ندارد تحت فشار بگذارد.**

**عجیب نیست که هیچ فعال سیاسیِ ملی‌گرایی، هیچ دایره دولتی‌، هیچ رییس دانشگاهی یا هیچ فرمانداری دلش نمی‌خواهند درباره این موضوع حرف بزند. آنان فقط در این اندیشه هستند که روایت‌هایی را که فلسطینیان را در مرکز توجه خود گذاشته‌اند، خفه کنند و جنبش بایکوت را فلج سازند. برای این‌که صدای فلسطینیان را بشنویم باید نخست بر این تاکتیک‌های سکوت‌آور غلبه کنیم.**

**در سال‌های اخیر، در سطح دولت­‌های اروپایی و اتحادیه اروپا نیز طرح­هایی در دست اجرا است. راه­‌حل اتحادیه اروپا در بحران فلسطین، توقف شهرک­سازی­‌ها و بازگشت به مرزهای 1967 و هم‌چنین طرح دو دولت مستقل فلسطینی- اسرائیلی است. مخالفت نتانیاهو با طرح­های مذکور سبب شده است تا مقامات اروپایی حکومت اسرائیل را به تحریم تهدید کنند. بر اساس گزارش رسانه‌های غربی، چندی پیش اتحادیه اروپا سند محرمانه‌ای را میان 28 دولت عضو توزیع کرده که مشتمل بر پیش‌نویس طرحی برای تحریم حکومت اسرائیل است. بر اساس این طرح، اگر حکومت اسرائیل در کرانه باختری کاری کند که رسیدن به راه­‌حل «دو دولت» را غیرممکن سازد، اتحادیه اروپا از طریق وضع تحریم و محدود کردن روابط خود با این حکومت به آن پاسخ خواهد داد. تحریم‌هایی که در سند جدید پیش‌بینی شده شامل تحریم کالاهای تولید شده در شهرک‌های اسرائیلی، محدود کردن همکاری با حکومت اسرائیل در زمینه‌های مختلف و حتی محدود کردن توافق‌ نامه تجارت آزاد اروپا با این حکومت است. در همین راستا، وزیران خارجه شانزده کشور از 28 دولت عضو اتحادیه اروپا در آوریل 2015 در نامه­‌ای خطاب به فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا خواستار این شده­‌اند که محصولات و کالاهای تولیدی در شهرک­‌های یهودی‌­‌نشین کرانه باختری و ارتفاعات جولان باید برچسب بخورد. در این نامه تاکید شده است که خریداران محصولات اسرائیلی در اروپا باید بدانند کدام یک از محصولات و کالاهای تولیدی در محدوده خط سبز تولید شده و کدام یک تولید مناطق اشغالی بوده و غیرقانونی است.**

**اما برخی کشورهای مهم این اتحادیه هم‌چون انگلیس، فرانسه و آلمان ضمن حمایت از سیاست «دو دولت» و مخالفت با شهرک­سازی حکومت اسرائیل در عمل در روابط استراتژیک خود را با این حکومت حفظ کرده­‌اند و در مواردی هم‌چون بایکوت حکومت اسرائیل با افکار عمومی خود هم‌گام نبوده­‌اند. با این وجود، این اقدام ضعیف و تعارفی و صرفا دیپلماتیک دولت­های اروپایی به شدت مورد انتقاد مقامات اسرائیل قرار گرفته است و آن‌ها از کشورهای اروپایی تقاضا کرده­‌اند که در کنار حکومت اسرائیل بایستند و از بایکوت آن جلوگیری کنند.**

**جون بائز، یکی از طرفداران جنبش بایکوت اسرائیل است. گفته است من در تمام این سال‌ها روی پای خودم ایستادم و به جا‌هایی رسیدم که وقتی جوان‌تر بودم، تصورش را هم نمی‌توانستم بکنم. این در من یک احساس خوب ایجاد می‌کند. وقتی که جوان بودم و ترس از صحنه داشتم و کلی ایده در ذهنم بود که باید انجام‌شان بدهم، هرگز به اندازه الان از کارم لذت نمی‌بردم و این برایم نکته با ارزشی است.**

**وضعيت مردم جهان، همواره در ترانه‌های جون بائز منعکس شده است. از همين روست که در آوازهای سال‌های اخيرش درون‌مايه‌های اميد و بازگشت به کشور با عذاب زندگی فردی و جمعی در دوران جنگ، چه در جنگ‌های داخلی و چه در جنگی چون جنگ عراق در هم می‌تابد.**

**جون بائز نوشته است: «همه ما زنده‌ايم، اما تنها معدودی از ما زندگی را به تعالی می‌رسانيم» و او پس از 51 سال فعالیت هنری خلاق، هم‌چنان در کنسرت‌ها و آلبوم‌هايش زنده و سرشار از شوق و شور است و بيش از هميشه به آرامشی درونی رسيده است.**

**جان کاساک بازیگر، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده آمریکایی که مقالاتی نیز در طرفداری از غزه را در توییتر خود ریتوییت کرده است،‌ نوشت: اعتراض به بمباران کردن مردمی که نه می‌توانند فرار کنند نه دفاع... این به معنای حمایت از حماس نیست. به‌معنای مخالفت با قتل به‌عنوان راه‌حل یک مشکل سیاسی است.**

**بحران غزه از تیر ماه 1393، با حملات سنگین هوایی اسرائیل به نوار غزه و پرتاب موشک‌ از داخل غزه به سوی اسرائیل آغاز شد.**

**در جریان این جنگ، حدود 2000 فلسطینی کشته شدند که بیش‌تر آن‌ها غیرنظامی بودند. از طرف اسرائیل 67 نفر کشته شدند که 64 نفرشان نظامی بودند.**

**در این میان، چهره های سرشناس دنیای هنر نیز در رسانه‌های مختلف و حساب‌های شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی به اظهار نظر پرداخته‌اند.**

**شماری از این چهره‌ها از فلسطینی‌ها و شماری دیگر از اسرائیل حمایت کرده‌اند؛ برخی نیز محتاطانه‌تر، اصل جنگ را محکوم کرده و خواهان برقراری صلح شده‌اند، از جمله آنی لنوکس، خواننده،‌ آهنگ‌ساز و فعال سیاسی اسکاتلندی که با محکوم کردن خشونت های اخیر در فیس‌بوک خود نوشته است: «کم‌کم هر کس یک طرف ماجرا را می‌گیرد. ولی هر قدر ساده‌انگارانه به‌‌نظر برسد، من طرف صلح پایدار را می‌گیرم.»**

**برایان اینو، آهنگ‌ساز و تهیه کننده بریتانیایی،‌ در نامه‌ای سرگشاده در سایت دیوید بایرن، اقدام اسرائیل علیه غزه را «پاک‌سازی قومی» دانسته است.**

**اعضای گروه موسیقی مسیو اتک (Massive Attack)‌پس از دیدار از اردوگاه آورگان فلسطینی برج البراجنه در لبنان، از «عشق و تعهد»‌شان به حمایت از آوارگان جوان فلسطینی سخن گفتند.**

**30 ژوئیه 1394، اعضای این گروه بریتانیایی تنها کنسرت خود در خاورمیانه‌(در لبنان) را به کودکان غزه تقدیم کردند و اسرائیل را به «قتل‌عام» فلسطینیان متهم و این اقدام را آشکارا محکوم کردند. آن‌ها که در شهر جبیل‌(بیبلوس)، در چند صدکیلومتری شمال غزه، کنسرت برگزار کردند، در گفتگویی با خبرگزاری اسوشیتدپرس گفتند: «بمباران کردن منطقه‌ای که یکی از متراکم‌ترین منطقه‌های زمین است،‌ در جایی که شهروندان اجازه ترک آن‌جا را ندارند، به‌کلی باورنکردنی است.»**

**رابرت دل ناجا، از اعضای این گروه گفت: «برای حفاظت خودت، آیا واقعا باید مردم دیگر را قتل‌عام کنی؟ قرن بیست و یکم است، اصلا باورکردنی نیست.»**

**او گفت: «سیاستمدارها ساکتند. تقریبا نشان می‌دهند که مناسب سمت‌های خود نیستند.»**

**بیل مار، کمدین، مجری و تحلیل‌گر سیاسی آمریکایی پس از مقایسه حماس با «زنی دیوانه که می‌خواهد تو را بکشد»، با حجم شدیدی از انتقاد از سوی طرفداران فلسطین روبه‌رو شد. او توییت کرده بود: «فقط می‌توانی مدت زیادی مچ‌های دستش را نگه داری و آخرسر به او سیلی بزنی.»**

**میا فارو، بازیگر و سفیر یونیسف، در توییترش نوشت: «ما می‌توانیم با شور و احساسات به حمله اسرائیل علیه غزه اعتراض کنیم بی‌این‌که به هیچ وجه به ورطه ترسناک احساسات ضدیهودی بیفتیم.»**

**او روز 9 ژوئیه در توییتر خود نوشت:‌ «من در غزه بوده‌ام. اکنون به کودکان دردمند فکر می‌کنم. بدون پناه و بدون راه خروج.»**

**پنه لوپه کروز و خاویر باردم، زوج هنرپیشه برنده جایزه اسکار، در نامه سرگشاده‌ای که امضای چندین سینماگر و هنرمند اسپانیایی را به همراه داشت، اسرائیل را به «نسل‌کشی» متهم کردند.**

**در این نامه، از اتحادیه اروپا خواسته شده بود تا «بمباران مردم غیرنظامی فلسطینی از زمین، دریا و هوا متوقف شود.» آن‌ها بعدتر در نامه‌هایی جداگانه اظهانظر کردند** **که قصدشان درخواست برای صلح بوده است.**

**آقای باردم نوشت:‌ «امضای من صرفا به معنای درخواست برای صلح بود. ویرانگری و نفرت صرفا نفرت و ویرانی بیشتر تولید خواهد کرد. من در حالی که منتقد واکنش ارتش اسرائیل بودم، احترام زیادی برای مردم اسرائیل قائلم و بابت خسارت‌هایی که برایشان رخ داده عمیقا هم‌دردی می‌کنم. من و نیز همسرم‌(پنه لوپه کروز) اکنون از سوی عده‌ای متهم به داشتن احساسات ضدیهودی شده‌ایم. ما همان قدر از یهودستیزی متنفریم که از عوارض وحشتناک و دردناک جنگ.»**

**جان ویت، بازیگر و پدر آنجلینا جولی، از نامه خاویر باردم و پنه لوپه کروز و دیگر هنرمندان اسپانیایی انتقاد کرد و گفت:‌ «اسم من جان ویت است و من از عصبانی هم عصبانی ترم. حال بدی دارم که کسانی امثال پنه لوپه کروز و خاویر باردم احساسات ضدیهود را در سراسر جهان می‌پراکنند و نمی فهمند که چه خرابی هایی به بار می آورند.»**

**او در شبکه تلویزیونی فاکس نیوز در اظهاراتی خشمگینانه اقدام های اوباما در خصوص بحران غره و اسرائیل را به باد انتقاد گرفت.**

**استیون هاوکینگ‌،‌ استاد فیزیک دانشگاه کمبریج هم در ماه‌های اخیر چند بار از تحریم اسرائیل سخن گفته است. او که در می 2013 خواهان تحریم آکادمیک اسرائیل شده بود، در جولای همان سال نیز از جهانیان خواست کنفرانس دانشگاه عبری بیت‌المقدس را تحریم کنند. او گفته است حرف لابی‌های هوادار اسرائیل که مدعی بودند او به دلایل شرایط جسمی از شرکت در این کنفرانس انصراف داده، راست نیست. هاوکینگ در نامه‌ای نوشت که اگر به این کنفرانس می‌رفت، از سیاست‌های اسرائیل در خصوص مردم فلسطین انتقاد می‌کرد.**

**پنه‌لوپه کروز و خاویر باردم، زوج هنرپیشه برنده جایزه اسکار هم که با کلیک نامه‌ای سرگشاده، از نسل‌کشی از سوی اسرائیل انتقاد کرده بودند پس از گذشت مدتی از این اقدام، به دلیل برخی فشارهای پنهان، مجبور به تعدیل موضع خود به نفع اسرائیلی‌ها شدند و در نامه‌هایی جداگانه اظهار کردند که قصدشان درخواست برای صلح بوده است. با وجود این فشارها، هنوز محکومیت جهانی تل‌آویو از سوی چهره‌های غیردولتی ادامه دارد و...**

**مارک روفالو، والاس شان و راب اشنایدر نیز از جمله بازیگران هالیوودی بوده‌اند که پس از اظهارنظر یا توییت‌های خود، با انتقاد طرفداران اسرائیل روبه‌رو شدند. راب اشنایدر،‌ بازیگر‌،‌ فیلمنامه‌نویس و کارگردان،‌ که پدرش یهودی است، در توییترش نوشته بود: خشمگین نشدن از مرگ بچه‌ها، روح خود شما را به خطر می‌اندازد.**

**اگرچه در برابر نسل‌کشی هدفمند فلسطینی‌ها از سوی حکومت اسرائیل، هنوز بخش بزرگی از هالیوود و چهره‌های مطرح ورزشی، فرهنگی و سیاسی تحت نفوذ «لابی صهیونیست» سکوت کرده‌اند، اما افزایش چشم‌گیر شمار منتقدانحکومت اسرائیل، و هم‌چنین راه‌پیمایی‌های گسترده‌ای که این روزها در شهرهای مختلف اروپا برگزار می‌شود حکایت از آن دارد که حاشیه امن حکومت اسرائیل که دهه‌هاست خود را قربانی نشان داده، از بین رفته و جایگاه این رژیم در افکارعمومی متحدانش به پایین‌ترین اندازه رسیده و این یکی از مهم‌ترین ابعاد پیروزی مبارزه حق‌طلبانه مردم فلسطین در بحران اخیر است.**

**راجر واترز، خواننده پینک فلوید، و برایان اینو دو چهره سرشناس دنیای موسیقی بوده‌اند که در سال های اخیر از خواننده ها و گروه های موسیقی خواسته‌اند «تا زمانی که اسرائیل به اعراب هم حقوق برابر بدهد و اشغال سرزمین های فلسطینی را پایان بدهد» اسرائیل را بایکوت کنند و در این کشور کنسرت برگزار نکنند.**

**نیل یانگ،‌ سیلو گرین و هم‌چنین گروه‌های بک استریت بویز،‌ و مگا دث کنسرت‌های خود در اسرائیل را به دلایل مختلف لغو کردند.**

**راجر واترز و نیک میسون، درامر پینک فلوید، چندی پیش در نامه ای سرگشاده خطاب به گروه رولینگ استونز هم خواسته بودند که اولین کنسرت خود در اسرائیل را لغو کنند. آن‌ها نوشته بودند: «برگزاری کنسرت در اسرائیل اکنون معادل خواندن در سان سیتی در اوج آپارتاید آفریقای جنوبی است. صرف‌نظر از این‌که نیت شما چیست، رد شدن از خط بایکوت، فراهم کردن امکان برای پروپاگاندای اسرائیل است تا سیاست‌های حکومت ناعادلانه و نژاد پرست خود را ماست‌مالی کند.»**

**در سال 2012 نیز الویس کاستلو حاضر به برگزاری کنسرت در اسرائیل نشد ولی پل مک کارتنی، آلیشیا کیز،‌ التون جان، لیدی گاگا، ریانا و مدونا جزو هنرمندانی بوده اند که در سال های اخیر، بایکوت راجر واترز را نادیده گرفته اند و در اسرائیل کنسرت برگزار کرده‌اند.**

**با این حال مدونا به تازگی و در اوج بحران غزه، در اینستاگرام خود عکسی با دو جوان بدون پیراهن که روی بدنشان ستاره داوود و علامت هلال و ستاره خالکوبی شده منتشر کرد و نوشت: "جدایی نه! خون همه ما یکرنگ است!‌ او عبارت‌های «آتش بس»، «صلح در خاورمیانه» و «زندگی برای عشق» را هش‌تگ کرد.**

**او از عبارت‌های عربی‌(انشاء‌الله) و عبری‌(باروش هاشم، به‌معنای خدا را شکر کنید) استفاده کرد و نوشت: «آتش را متوقف کنید.»**

**هوارد استرن،‌ مجری رادیو و تلویزیون، کمدین و نویسنده آمریکایی، از مدافعان جدی سیاست های اسرائیل بوده است. او روز 28 ژوئیه 94 به اسرائیل سفر کرد. هوارد استرن به شدت از راجر واترز انتقاد کرده و او را به «چرند و پرند گفتن مدام» متهم کرده است.**

**او در برنامه رادیویی‌اش SiriusXM، به مخاطبی که تلفن زده بود و سعی می کرد که اسرائیل را برای جنگ با حماس سرزنش کند، گفت «برو گمشو!» و سپس دفاع آتشینی از اسرائیل کرد و گفت: «اگر ضداسرائیل باشید،‌ ضد آمریکایید. اسرائیل تنها دموکراسی در آن منطقه است. تنها دوستی است که ما داریم... که اراده دارد که برای چیزی که درست است، مبارزه و ایستادگی کند.»**

**مایک لی، فلیم‌ساز بریتانیایی، آلیس واکر،‌ نویسنده، آدرین ریچ، شاعر و فمینیست آمریکایی، نیز از جمله شخصیت‌هایی هستند که به کمپین تحریم اسرائیل پیوسته‌اند.**

**جاناتان دمی، کارگردان فیلم «سکوت بره‌ها»، در گفتگویی با خبرگزاری اسوشیتدپرس گفت که بحران جاری را سیاسی و منحصر به حماس و فلسطین نمی‌بیند:« فکر می کنم بحث کشته شدن آدم‌های بی‌گناه و تخریب یک فرهنگ است. من هیچ وقت، هرگز از دیدگاه های صلح‌طلبانه‌ام شرمنده نبوده ام.»**

**مارک روفالو، والاس شان و راب اشنایدر نیز از جمله بازیگران هالیوودی بوده‌اند که پس از اظهار نظر یا توییت های خود، با انتقاد طرفداران اسرائیل روبه‌رو شدند. راب اشنایدر،‌ بازیگر‌،‌ فیلم‌نامه نویس و کارگردان،‌ که پدرش یهودی است، در توییترش نوشته بود:‌ «خشمگین نشدن از مرگ بچه ها، روح خود شما را به خطر می‌اندازد.»**

**جان کاساک، بازیگر فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده آمریکایی نیز که در آن روزها چندین مقاله در طرفداری از غزه را در توییتر خود ریتوییت کرده است،‌ نوشت: «بمباران کردن مردمی که نه می‌توانند فرار کنند نه دفاع... این به معنای حمایت از حماس نیست. به معنای مخالفت با قتل به‌عنوان راه‌حل یک مشکل سیاسی است.»**

**پس از آن‌که شون هنیتی، مجری هوادار اسرائیل شبکه فاکس نیوز،‌ در گفتگویی تلویزیونی پرخاشگرانه از یوسف منیر، نویسنده و تحلیلگر فلسطینی-آمریکایی، پرسید که «آیا خرفتی و نمی‌فهمی؟»، راسل برند، کمدین و بازیگر بریتانیایی، ویدئویی را آپلود کرد و در آن، هنیتی را به «تروریسم» متهم کرد و از او خواست که به «انسانیت» بازگردد.**

**زین مالک، عضو گروه موسیقی بریتانیایی وان دایرکشن، پس از توییت کردن هش‌تگ «فلسطین را آزاد کنید» (#FreePalestine) برای 13 میلیون دنبال‌کننده در توییتر، با انتقادهای زیادی روبه رو شد. او از جمله تهدید به مرگ هم شد. این توییت او 130 هزار بار توییت شد.**

**جان لیجند، خواننده و بازیگر آمریکایی، در تویتترش نوشت: «حالم بد شده از این‌که وزیر امور خارجه‌مان را می‌بینم که با شور و هیجان زور می‌زند که به اسرائیل بگوید که چه‌قدر دوستش دارد در حالی که کابینه اسرائیل روی او خرابی می‌کند.»**

**ریانا، خواننده آمریکایی، توییت کرد (FreePalestine#‌): حدود هشت دقیقه بعد آن را حذف کرد. او مدعی شد که انتشار این هش‌تگ تصادفی بوده است.**

**جوان ریورز، کمدین آمریکایی، در گفتگویی با سایت «تی ام زد» در پاسخ به این سئوال که «شهروندان غیرنظامی که در تبادل آتش‌ها میان اسرائیل و غزه گرفتار می‌شوند به کجا باید بروند»،‌ گفت: «برام مهم نیست. اون‌ها خودشون شروع کردند.»**

**کتی پری، خواننده آمریکایی، در سال 2011 با پاسخ خشمگینانه فلسطینی‌ها و حامیان آن‌ها رو‌به‌رو شده بود وقتی که در توییتری خطاب به هوادارانش از آن‌ها خواسته بود که برای اسرائیل دعا کنند.**

**سلنا گومز، خواننده و بازیگر 22 ساله، عکسی را در اینستاگرام خود گذاشت و نوشت: «موضوع انسانیت است. برای غزه دعا کنید.» او نوشت: «لطفا برای آن خانواده ها و کودکان دعا کنید. لطفا به یاد داشته باشید چیزی را که در زندگی مهم است. هیچ کدام این‌ها نیست. ما این‌جاییم که کمک کنیم، الهام ببخشیم و عشق بورزیم. آن تغییر، خودتان باشید.» او هش تگ «ما نسل بعد هستیم» را برای این توییت برگزید.**

**جوان ریورز در سایت تی‌ام‌زد جواب او را این‌گونه داد:‌ «اوه، سلنا گومز، آره،... خب اگر سلنا این را گفته، بذارید ببینیم اصلا می‌تونه املای فلسطین رو درست بنویسه یا نه.»**

**نیکول کیدمن ویدئوی کوتاهی از کیت اربن‌(همسرش) و دختران‌شان را در فیس‌بوکش گذاشت و زیرش نوشت: «کیت، دخترها و من هم داریم همراه ربا مک انتایر می‌رویم که برای صلح دعا کنیم. او عبارت دعا برای صلح را هش تگ کرد. (#PrayForPeace)**

**جان استوارت، مجری برنامه دیلی شو، در اظهار نظری محتاطانه گفت: «صرف اشاره به اسرائیل یا هر گونه زیر سئوال بردن کارایی یا بشردوستی سیاست‌های اسرائیل لزوما به معنای طرفداری از حماس نیست.»**

**استیون اسپیلبرگ، که از حامیان همیشگی و جدی اسرائیل به شمار می‌رود، در این مدت سکوت کرده است. جوییش ژورنال در این زمینه می‌نویسد:‌ «برخی از برجسته‌ترین و شناخته شده‌ترین حامیان اسرائیل اکنون از همیشه ساکت ترند. آن‌ها که در زمان آرامش مشتاقانه از اسرائیل حمایت می‌کنند، در این بحبوحه سعی می‌کنند کم‌تر از همیشه اظهار نظر کنند.»**

**با این حال، سکوت استیون اسپیلبرگ و بخش عمده‌ای از هالیوود‌ در این خصوص را شاید بتوان اعلام موضع و بیانیه‌ای از نوع دیگر دانست. رضایت تلویحی از اقدام اسرائیل یا شاید هم بر عکس‌اش، نارضایتی از آن.**

**حمایت هنرمندان کشورهای عربی از مردم فلسطین و لبنان**

**هنرمندان عرب سال‌ها است که در کنار مردم ستم‌دیده فلسطین قرار گرفته و حامی و پشتیبان آن‌ها هستند. اما برخی نیز نه تنها به سیاست های خشونت‌‌طلبانه و اشغال‌گری حکومت اسرائیل و هم‌چنین به ظلم و محرومیت مردم فلسطین چشم می‌بندند، بلکه با آوردن انواع و اقسام توجیهات، حتی حاضر نیستند از حقوق برابری مردم اسرائیل و فلسطین سخن بگویند و جنگ‌طلبان و خشونت‌طلبان هر دو طرف را محکوم کنند و در عین حال حکومت اسرائیل را اشغال‌گر بنامند!**

**پس ‌دادن چک سفید اسرائیلی‌ها برای اجرای یک کنسرت!**

**چند سال پیش، «لیلى غفران» خواننده عرب مراکشی اعلام کرد كه  پس از دریافت دعوت‌نامه از طریق ایمیل برای اجرای کنسرتی در اسرائیل در ازای یک چک سفید به این درخواست پاسخ منفی داده است. به‌گفته لیلی در این دعوت‌نامه به او پیشنهاد شده است در صورت اجرای کنسرت در تل آویو می‌تواند مبلغ مورد در خواستش را مطالبه کند .**

**لیلى غفران، در مصاحبه با العربیه از دعوت غیر منتظره اسرائیل برای اجرای کنسرت در اسراییل پرده برداشت: این دعوت‌نامه را یكى از شركت‌هاى برگزارکننده کنسرت فرستاده است و نیز تهیه نیازهای ضروری مانند محل اقامت در هتل را نیز به عهده گرفته است، افزون بر آن شركت یاد شده چك سفید به دلار را براى وى در برابر شركتش در این کنسرت وعده داده است .**

**خواننده مذكور اشاره كرد كه پس از رد این مشوق‌ها، شركت اسرائیلى هم‌چنان به تلاش‌های خود براى قانع کردن او ادامه داده است و به او گفته است که مهر ورود به اسرائیل را در گذرنامه‌اش نخواهند زد. لیلی غفران می‌گوید وجود مهر ورود به اسرائیل در گذرنامه براى عرب‌ها شرم و ننگ به‌شمار می‌آید.**

**جشنواره 2008 اردن**

**تحریم‌های خوانندگان پیشرو عرب برای اجرای موسیقی و کنسرت تنها منحصر به اقدامات فردی نبوده است. به‌‌طور مثال جشنواره فرهنگی اردن در سال 2008، با تحریم‌ها و اعتراضات بسیاری از هنرمندان کشورهای عرب مواجه شد. سبب این تحریم‌ها و اعتراضات «شایعاتی» بود که در آن گفته می‌شد سازمان‌دهی و برگزار کننده این جشنواره شرکتی فرانسوی است که از حامیان حکومت اسرائیل است و مراسم شصتمین سال‌گرد اشغال فلسطین را نیز این شرکت برگزار کرده است. با ورود رسمی پادشاه اردن به این مسئله و این‌که عنوان شد شرکت دیگری قرار است برگزاری مراسم را به‌‌عهده بگیرد بسیاری از التهاب‌ها کم شد و جشنواره برگزار گردید.**

**سندیکای هنرمندان در کشورهای اردن، مصر سوریه و لبنان پیش از این شرکت هنرمندان کشورهای خود را به‌‌خاطر شایعات مطرح شده از شرکت در این جشنواره منع کرده بودند.**

**100 هنرمند خواستار شکست حصر غزه**

**از سوی دیگر، پس از حمله ارتش اسرائیل به کاروان آزادی غزه و کشتار 9 فعال صلح این کشور در کشتی مرمره، 100 نفر از هنرمندان 14 کشور عربی برای راه‌اندازی کاروانی دیگر و شکست حصر غزه اعلام آمادگی کردند. این گروه هدف از اقدام خود را حمایت از هنرمندان فلسطینی و حمایت از هنرمندان غزه اعلام کرده بودند.**

**عصر روز شنبه 22 ژوئن 2013، محمد عساف 23 ساله به عنوان برنده این مسابقه اعلام شد. او یک روز پیش با دو خواننده دیگر از مصر و سوریه رقابت کرده بود.**

**محمد عساف، جایزه مسابقه تلویزیونی عرب آیدل (Arab Idol)‌را برد که برای کشورهای عربی برگزار می‌شود و در آن استعدادهای تازه کشف می‌شوند. این مسابقه در بیروت، پایتخت لبنان برگزار شد و میلیون‌ها نفر در کشورهای منطقه تماشاگر آن بودند.**

**ترانه‌ای که محمد عساف روز جمعه خواند و با آن برنده شد، اشاره‌های سیاسی هم دارد. او در این ترانه خواستار برافراشته‌شدن چفیه فلسطینی و اتحاد شده است.**

**در پی پیروزی این خواننده جوان، ساکنان شهر غزه و شرق اورشلیم به خیابان‌ها ریختند، به رقص و شادی پرداختند و آتش‌بازی کردند.**

**یک وبلاگ‌‌نویس در توییتر نوشته: «محمد عساف، فلسطین را آزاد نکرد ولی برای مردمی که در 66 سال دوران اشغال لب‌خند نزده‌‌اند، شادی و سرور آورد.»**

**چهره‌‌های فلسطینی از جمله محمود عباس، رییس دولت خودگردان، از فلسطینیان خواسته بودند از این خواننده حمایت کنند.**

**محمد عساف گفته با اصرار، مقامات حماس را راضی کرده که بتواند غزه را ترک کند. کنترل غزه در اختیار گروه حماس است. این خواننده جوان که برای مسابقه ورودی عازم مصر بود، در مرز رفح معطل شد و با تاخیر به این برنامه رسید. یک شرکت‌‌کننده فلسطینی دیگر نوبتش را در مسابقه ورودی به محمد عساف داده و به این ترتیب او توانسته است به مسابقه راه پیدا کند.**

**حمد عساف: ما هم می‌جنگيم هم می‌خوانيم!**

**وی به‌دليل ترانه‌های عاشقانه و خوانندگی در مراسم ازدواج ساكنان غزه مشهور و محبوب است.**

**عساف كه يك مهاجر از غزه است قبلا ضمن حمايت از اعتصاب غذايی زندانيان فلسطينی در بند اسراييل به مقامات امنيتی حماس گفته بود ما برای فلسطين جنگ می‌كنيم، اما می‌توانيم بخوانيم هم. محمد عساف از طرفداران وحدت فلسطينی‌های غزه و كرانه باختری است. هر چند عساف در بيروت به سر می‌برد اما خانواده وی در فلسطين هستند. به‌گزارش گاردين، خانواده عساف گفته‌اند ما هر جمعه از تلويزيون مسابقه او را تماشا می‌كرديم و اشك می‌ريختيم چون دلتنگ او هستيم.**

**تامر حسنی‌(تامر حسنی شریف عباس)، 33 ساله یک بازیگر و خوانند مصری‌ است. او در شهر قاهره در مصر زندگی می‌کند و از پدری مصری و مادری سوری زاده شده است. او نیز در حمایت از مردم فلسطین و لبنان ترانه‌ای با نام - در هر رنج مصیبت؛ خوانده است.**

**تامر، درباره علت خواندن این ترانه گفته است: دیدن صحنه‌های کشته و مجروح شدن کودکان فلسطینی و لبنانی مرا ناراحت می‌کرد. در همین حال دست به قلم بردم و متن این ترانه را نگاشتم .**

**کاظم جبار ابراهیم السامرائی، مشهور به کاظم الساهر، یکی از بزرگ‌‌ترین هنرمندان عراق و هم‌چنین جهان عرب در عرصه موسیقی است. کاظم در 9 دسامبر 1961 در شهر باستانی موصل در شمال عراق زاده شد. وی نیز در حمایت از مردم لبنان در برابر حکومت اسرائیل سه کنسرت برگزار کرد**

**الساهر در سال 2006  نیز مبلغی در حدود 18 هزار دلار به‌وسیله یک موسسه خیریه برای حمایت از مردم لبنان از طریق سفارت این کشور در بغداد فرستاد. جمع‌آوری این میزان کمک از طریق مؤسسه خیریه‌ای بود که الساهر خود برای حمایت از مردم عراق و دیگر فعالیت‌های خیریه پیش از آن تاسیس کرده بود.**

**لطیفه العرفاوی، هنرمند دیگری از کشور تونس است. او نیز در حمله اسرائیل به لبنان کاروانی از کمک‌های انسان‌دوستانه برای فرستادن به این کشور همراه با تعدادی از دیگر هنرمندان عرب ترتیب داد.**

**نوال الکویتی، ادامه اجرای کنسرت‌های خود را پس از آن‌که صحنه‌های جنگ و خون‌ریزی در جنوب لبنان دیده بود متوقف نمود.**

**حسین الجاسمی، اجرای کنسرت‌های خود را پس از قتل‌عام روستاییان قانا توسط ارتش اسرائیل متوقف نمود.**

**كلودیا حنا، خواننده عراقی و ملكه زیبایی كشورهای عربی در آن سال 2008، تمام جوایزی که به این مناسبت گرفته بود را تقدیم خانواده‌های لبنانی نیازمند و کودکان آن‌ها کرد.**

**حمایت خوانندگان عربی منحصر به زمانی خاص نمی‌شود. به‌ عنوان مثال، یکی از کسانی که زندگی هنری خود را وقف مردم فلسطین کرده است «ریم بنا» است. او دنبال شهرت نبوده و تنها به موسیقی و مردم ستم‌دیده فلسطین می‌اندیشد. زمان شهرت او به دهه نود میلادی برمی‌گردد. آن زمان بنا کار خود را با خواندن ترانه‌هایی برای کودکان فلسطینی آغاز کرده بود.**

**بنا در پاسخ به پرسش یکی از پایگاه‌های خبری عربی، گفته است: من به فکر شهرت رسیدن خود نیستم و در حقیقت هر آن‌چه به‌ عنوان یک هنرمند به‌وسیله ترانه‌هایم انجام می‌دهم تنها برای خدمت به ملت فلسطین و برای نشان دادن فاجعه انسانی است که مردم این کشور از آن رنج می‌برند. من امروز چهره زشت دشمن اشغال‌گر را با صدای خود و موسیقی به مردم دنیا منتقل می‌کنم.**

**اخیرا اتحادیه سینماگران و هنرمندان عرب در قاهره برای حمایت از اسرای فلسطینی اعتصاب‌کننده غذا، بیانیه‎ای مطبوعاتی منتشر و در آن خواستار تحقق مطالبات «مشروع» و «عادلانه» اسرا شدند.**

**در بیانیه «انجمن هنرمندان عرب» مطالبات اسرای فلسطینی عادلانه و مساله فلسطین مساله جهان عرب عنوان شد.**

**انجمن سینماگران عرب که مقر آن در قاهره است، تاکید کرد که موضوع فلسطین همواره مسئله اصلی ملت‌های عربی است و مردم مسئله اسرای فلسطینی را که برای بهبود اوضاع‌شان اعتصاب عذا کردند، روزانه پیگیری می‌کنند.**

**در ادامه بیانیه آمده است که اعتصاب غذای نامحدود اسرای فلسطینی دفاع از هویت فلسطین و تقویت جایگاه حقوقی و قانونی اسرا و تاکید بر مبارزه و مقاومت آن‌ها است.**

**محمود درویش چهره معروف ادبیات پایداری فلسطین**

****

**محمود درویش چهره معروف ادبیات پایداری، در 13 مارس 1941، در دهکده‌ای از فلسطین به‌نام «بروه» متولد شد. وی یکی از سرشناس‌ترین شاعران عرب بود که شعرهایش محصول آوارگی‌ در فلسطین اشغالی است**

**اسرائیلی‌ها، این دهکده را به آتش کشیدند و محمود درویش شش ساله بود که مجبور شد به‌همراه خانواده‌اش به لبنان پناهنده شود. سرانجام پس از مقاومت‌های بسیار دهکده «بروه» از دست اسرائیلی‌ها خارج شد و هنگامی که اهالی وارد دهکده شدند همه چیز از بین رفته بود.**

**محمود درویش، در گفت‌وگویی می‌گوید: «به یاد دارم که شش ساله بودم. در دهکده‌ای آرام و زیبا زندگی می‌کردیم. خوب به یاد دارم. در یکی از شب‌های تابستان که معمولا عادت اهل ده این است که روی پشت بام بخوابند. مادرم ناگهان مرا از خواب بیدار کرد و دیدم که داریم با صدها تن از مردم دهکده در میان بیشه‌ها فرار می‌کنیم. گلوله‌های سربی از روی سر ما می‌گذشت...»**

**«در محاصره»؛ مجموعه شعر محمود درویش؛ توسط زنده یاد رفیق «تراب حق شناس» ترجمه شده است. چاپ اول آن در سوئد؛ از سوی نشر «آلفابت ماکزیما‌(استکهلم) و خانه هنر و ادبیات‌(گوتنبرگ) در تابستان 1385 - 2006 منتشر شده و هم‌چنین چاپ دوم آن نیز در نشر اینترنتی، انتشارات اندیشه و پیکار در سال 2007 منتشر شده است.**

**محمود درویش بعدها در مبارزات مردم فلسطین حضور فعالی پیدا کرد و این زمانی بود که 14 سال بیش‌تر نداشت. در شهر حیفا به زندان افتاد و از آن پس مرتب گرفتار پلیس بود. باید مرتب خود را به صورت هفتگی معرفی می‌کرد.**

**محمود درویش، سرودن را از زمانی که در مدرسه در حال تحصیل بود شروع کرده بود و نخستین مجموعه ‌آثارش  در سال 1960 منتشر شد یعنی زمانی که تنها نوزده سال داشت. با دومین مجموعه‌اش برگ‌های زیتون‌(اوراق الزیتون)، 1964 به‌عنوان یکی از شاعران پیشرو شعر مقاومت شناخته شد. اشعارش دارای دو موضوع عمده و کلی است: عشق و سیاست.**

**وی در سال 1970، برای ادامه تحصیل به مسکو سفر کرد و پس از مدتی به قاهره رفت.**

**محمود درویش، چند سال عضو کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود. درویش هم‌چنین رییس اتحادیه نویسندگان فلسطینی است و بنیان‌گذار یکی از مهم‌ترین فصل‌نامه‌های ادبی و مدرن جهان عرب به نام «الکرمل» است. محمود درویش همراه با «ژاک دریدا»، «پی‌یر بوردیو»، پارلمان بین‌المللی نویسندگان را تاسیس کردند.**

**محمود درویش جایزه‌ ابن سینا، جایزه‌ صلحِ لنین، جایزه لوتس از انجمن نویسندگان آفریقا-آسیایی، جایزه‌ هنر‌های حماسی فرانس و مدال آثار ادبی و جایزه آزادی فرهنگی از بنیاد لنان و جایزه صلح شوروی سابق را به‌خود اختصاص داده است. نوامبر 2003 نیز جایزه‌ ناظم‌ حکمت به او تعلق گرفته است.**

**محمود درویش، به‌عنوان سردبیر ماهنامه‌ انجمن آزادی فلسطین و گرداننده مرکز تحقیقات فلسطینی به کار مشغول بوده و در سال 1987، به کمیته‌ هیئت اجرائی جنبش فتح ملحق ‌شد اما شش سال بعد در سال 1993، در اعتراض به موافقت‌نامه صلح اسلو از این سازمان کناره می‌گیرد.**

**به‌خاطر همین موافقت‌نامه بود که جایزه صلح نوبل سال 1994، در یک اقدام حیرت‌انگیزی به یاسر عرفات و  شیمون پرز و اسحاق رابین تعلق گرفت.**

**در سال 1961 محمود درویش، فعالیتش را به‌عنوان روزنامه‌نگار آغاز کرده و تا مدتی روزنامه الاتحاد را سردبیری کرد. در سال 1971، فلسطین اشغالی را ترک گفته و به بیروت عزیمت کرد تا برای  جنبش فتح کار کند. او به‌عنوان سردبیر مجله ماهانه شئون فلسطینیة  و  سردبیر ارشد گاهنامه فرهنگی ادبی الکرمل  چندی به‌کار مشغول بوده است. وقتی اسرائیل در سال 1982، به لبنان یورش برد و  جنبش فتح مرکز فرماندهی‌اش را از آن‌جا انتقال داد و محمود درویش به قبرس نقل مکان کرد.**

**در  مارس 2000، وزیر آموزش  و پرورش اسرائیل پس از  ضمیمه  کردن آثار  محمود درویش در  کتاب‌های درسی، دولت ایهود باراک را با بحران  جدی روبرو ساخت.**

**محمدرضا شفیعی کدکنی درباره محمود درویش می‌نویسد: «اگر یک تن را برای نمونه بخواهیم انتخاب کنیم که شعرش با نام فلسطین همواره تداعی می‌شود، محمود درویش است.»**

**او حدود بیست و دو مجموعه شعر منتشر کرده است: برگ‌های زیتون‌(1964)؛ عاشقی از فلسطین‌(1966)؛ آخرشب‌(1967)؛ دلدار من از خواب خود برمی‌خیزد‌(1970)؛ گنجشک‌ها در الجلیل می‌میرند‌(1970)؛؛ دوستت می‌دارم، یا دوستت نمی‌دارم(1972)؛ اقدام شماره7‌(1974)؛ آنک تصویر او و اینک انتحار عاشق‌(1975)؛ جشن‌ها‌(1976)؛ ستایش سایه بلند‌(1983)؛ محاصره‌ای برای مدایح دریا‌(1984)؛ آن ترانه است، آن ترانه است‌(1986)؛ سرخ گلی کم‌تر‌(1986)؛ تراژدی نرگس، کمدی نقره‌(1989)؛ آن‌چه را می‌خواهم می‌بینم‌(1990)؛ یازده ستاره‌(1992)؛ چرا اسب را تنها گذاشتی؟‌(1996)؛ سریر زن غریبه‌(1995)؛ دیوارنگاره‌(2000)؛ حالتی از شهربندان‌(2002)؛ بر کرده خود پوزش مخواه(2004)؛ چون شکوفه بادام یا دورتر‌(2005.)**

**چند کتاب نثر نیز از محمود درویش منتشر شده است که از درخشان‌ترین آن‌ها یادداشت‌های روزانه اندوه عادی‌(1976) و حافظه‌ای برای فراموشی (1987 است.**

**محمود درویش در اوت 2008، در پی عمل جراحی قلب در تگزاس آمریکا در گذشت.**

**شعر مقاومت فلسطين و زبان انقلاب**

**روزی می‌رسد كه جهان را عوض كرده باشيم!**

**[](http://shafaqna.com/persian/media/k2/items/cache/71dd45392eb9488f45ad94cd6bc2df41_XL.jpg)**

**در گفت‌وگو با سميح القاسم**

**سميح القاسم را يكی از اضلاع مثلث شعر مقاومت فلسطين می‌خواندند. اگر بتوان ابوسلمی، كمال ناصر و معين بسيسو را پرچم‌داران شعر فلسطين در تبعيد ناميد، توفيق زياد، محمود درويش و سميح‌القاسم مهم‌ترين و برجسته‌ترين پرچم‌داران شعر فلسطين در داخل اين سرزمين هستند. از نظر بسياری از منتقدان ادبی، اشعار اين سه شاعر بزرگ معاصر فلسطين، هم‌چون يك حلقه وصل، فلسطينيان تحت اشغال و مردم كشورهای عربی را با يكديگر متحد كرد و اشعار اين سه اديب برای بيش از نيم قرن به ويژه پيش از آغاز انتفاضه اول در سال 1987 و انتفاضه دوم سال 2000، زبان حال مقامت فلسطين بود.**

**سميح‌القاسم روز 11 مه 1939، در شهر زرقا در اردن فعلی در خانواده‌ای از دروزيان شمال فلسطين به دنيا آمد و در شهرهای رامه و ناصره بزرگ شد و در روز سه شنبه، نوزدهم آگوست 2014، در بيمارستانی در شهر صفد درگذشت. سميح القاسم بيش از 60 كتاب در قالب شعر، داستان، نمايشنامه و ترجمه به يادگار گذاشته است. به ويژه، نامه‌نگاری او با دوست و همكارش محمود درويش در طول دهه 1970 شهرت فراوان دارد. آن‌ها در نامه‌های تاريخی خود علاوه بر مسائل شعری و ادبی به مضامين سياسی نيز پرداخته‌اند. سميح القاسم از پيش‌آهنگان جنبش نوگرايی در شعر مدرن عرب بود. او با مهارتی كم‌نظير اسطوره‌های قديمی ميراث كهن را با رنگ و بويی نو ارايه می‌داد. بسياری از سخن سرايان نوگرا و مترقی عرب خود را پيرو سبك او می‌دانند. سميح القاسم علاوه بر شعرهای نغز و قصيده‌های غرا، كه به زبانی فاخر و گاه «كهنه» يا اركاييك سروده شده‌اند، ترانه‌های فراوان سروده است كه برخی آن‌ها را مهم‌ترين خوانندگان در سراسر جهان عرب زبان خوانده‌اند. او هم‌چنين جوايز بسياری را در حوزه شعر كسب كرده است كه از آن جمله می‌توان به جايزه شعر در اسپانيا، فرانسه و مصر اشاره كرد. سميح القاسم به خاطر فعاليت ادبی و مواضع سياسی خود بارها در اسرائيل دستگير شد و به زندان افتاد. او چند سال نيز در حصر خانگی به‌سر برد و از هر كاری منع شد. او چند سالی نيز به حالت تبعيد در خارج، به‌ويژه در شوروی سابق به‌سر برد. آثار كامل سميح القاسم، به زبان اصلی عربی در هفت مجلد بزرگ منتشر شده و بسياری از شعرها و كارهای ادبی او به زبان‌های ديگر، از جمله انگليسی، فرانسوی، روسی و فارسی ترجمه شده است. او چند سال پيش سفری به ايران كرد و در چهارمين نمايشگاه بين‌المللی كتاب تهران شركت كرد. او در يكی از آخرين مصاحبه‌ها پيش از مرگش از نقش شعر در تاريخ پرتنش منطقه فلسطين می‌گويد.**

**به گزارش روزنامه اعتماد، نژادپرستی، صهيونيسم، امپرياليسم: تنها در يك حالت است كه اين‌ها خواهند توانست ما را زير پا له كنند، اگر وادارمان كنند انسان دوستی را فراموش كنيم. هرگز نمی‌گذارم كسی انسان دوستی را از من بگيرد... انسان دوستی سنگر من است. من خواهم جنگيد و هيچ‌كس نمی‌تواند سنگرم را از من بگيرد.**

**سميح القاسم به همه چيز خوشبين و اميدوار است: «اگر خوشبين نباشم حتی يك كلمه هم نمی‌نويسم.»**

**تغيير همين فردا رخ نخواهد داد اما روزی خواهد رسيد كه ما جهان را عوض كرده باشيم. اگر آن روز فردا نباشد، حتما روز بعد است.**

**برای ديدار شاعر مشهور فلسطينی عرب سميح القاسم به خانه‌اش در روستای جليله در شهر راما می‌روم. نشسته بر دامنه كوه، خانه‌اش مشرف به دره‌ای است كه مردم محلی آن را «دريای زيتون» می‌نامند. وقتی پا به درون اتاق می‌گذارم، قاسم پوشيده در خرقه‌ای بلند و شال قرمز آشنايی كه هميشه به گردن دارد از جا برمی‌خيزد و به زبان عربی به من خوشامد می‌گويد: اهلاو سهلا. تمام قرارهای قبلي مصاحبه با قاسم لغو شده است چون چندی پيش پزشكان تشخيص داده‌اند كه به سرطان مبتلا است و هر بار پس از يك جلسه دارو درمانی نياز به استراحت دارد. اما ا امروز حال او خوب است و اين از خوش شانسی من است. دكتر نازه قسيس، مترجم و فرهنگ‌نويس و از دوستان قديمی سميح القاسم مرا به‌عنوان مترجم در اين ديدار همراهی می‌كند.**

**قاسم با شيطنت به او لب‌خندی می‌زند و يك جلد از انبوه كتاب‌هايی كه روی ميز مرتب چيده شده‌اند را به دستش می‌دهد، ترجمه اشعار او به زبان رومانيايی است كه به تازگی منتشر شده. قاسم با خنده می‌گويد: «من كه نمی‌فهمم چه نوشته، چون رومانيايی بلد نيستم، شايد تو بلد باشی.» كتاب مجموعه ای است از نوشته‌های او تحت عنوان «شعر» كه توسط جورج و گريگور و گابريل بيتونا دو پژوهش‌گر رومانيايی با تجربه ترجمه شده است. اگر چه در سراسر جهان عرب زبان، القاسم شاعری مشهور و شناخته شده است اما خارج از مرزهای دنيای عرب، كم‌تر او را می‌شناسند. تنها يكی از آثار او، غمناك‌تر از آب، به زبان انگليسی ترجمه شده و مترجم آن هم همان دكتر قسيسی است.**

**... برای مبارزه عليه احكام سخت دولت نظامی، القاسم به‌شدت در فعاليت‌های سياسی درگير شد و اين تجربيات در شعر او به خوبی منعكس شده است. پس از آن، شاعر جوان به‌عنوان يكی از اعضای «شاعران مقاومت» شناخته شد: گروهی از شاعران فلسطينی هم‌چون محمود درويش و توفيق زياد كه شعرشان بخشی از جنبش آزادی‌خواهانه فلسطينيان بود. از او درباره عنوان «شاعر مقاومت» می‌پرسم. القاسم می‌گويد: «اين لقبی بود كه ديگران به من دادند و به آن افتخار می‌كنم. من شاعر مقاومتم، اما نه فقط شاعر مقاومت فلسطين و جهان عرب، بلكه شاعر مقاومت در جای جای جهان» مجموعه وسيع آثار او، از جمله شعر، نمايشنامه، رمان و مقاله‌های سياسی، به مسائلی هم‌چون جنگ ويتنام و آمريكای لاتين و جنبش‌های حقوق مدنی در ايالات متحده می‌پردازد. علاوه بر اين، شعر او با فعاليت‌های سياسی‌اش هم عجين شده است. او نخستين دروزی در اسرائيل بود كه از رفتن به خدمت نظامی سر باز زد و در نامه‌ای به نخست وزير وقت، ديويد بن گوريون نوشت كه او برای شعر به دنيا آمده است، نه برای اسلحه.**

**وقتی صحبت به مبارزات امروز در جهان عرب می‌رسد او تاكيد می‌كند كه انقلاب در منطقه خاورميانه اجتناب‌ناپذير است. القاسم می‌گويد: «قابل پيش‌بينی بود كه وضعيت در جهان عرب رو به ترقی و بهبود برود چرا كه حاكميت ديكتاتوری نظامی و فساد نمی‌تواند برای هميشه ادامه پيدا كند.» شعر او، هم‌كلام با ديگر شاعران سياسی در سراسر جهان عرب حامل پيام تغيير است. او هميشه خوشبين بود كه تغيير در راه است: «من هميشه گفته‌ام كه ديكتاتوری و فساد نخواهد توانست در جهان عرب و... تا ابد حاكم باشد. نه منطقی است و نه طبيعی ... يك بار ديگر هم اين را گفته‌ام، آن زمان كه انقلابی در تونس به پيروزی برسد، به آن‌جا خواهم رفت و پابرهنه در خيابان حبيب بورقيبه خواهم دويد.»‌(وقتی انقلاب در تونس به پيروزی رسيد، فعالان تونسی القاسم را دعوت كردند تا به آن‌جا برود و پابرهنه در خيابان اصلی شهر قدم بزند.)**

**با مجموعه آثاری كه تا به حال به بسياری از زبان‌ها ترجمه شده است، القاسم به ملاقات با شاعران متعدد در آسيا، اروپا، شمال آفريقا، آمريكا و روسيه دعوت شده است.**

**تعريف او از شعر يك «حركت انقلابی حقيقی» است و معتقد است شعر ظرفيت بسياری برای ارتباط با مردم دارد. القاسم می‌گويد: «من می‌توانم با افتخار بگويم كه در اين تغيير و تحول سهمی دارم، همه دوستان من، همكاران من، انقلابيون كه رنج بسياری می‌برند، سزاوارند كه آنان را تاريخ ساز بدانيم.»**

**او از درگذشت شاعر انقلابی مصری احمد فواد نجم، غمگين بود. نجم كسی بود كه القاسم را در جلسات شعر خوانی در قاهره و در سراسر كشورهای خليج فارس همراهی كرده بود. القاسم در توصيف نجم می‌گويد: «او يك شاعر واقعی، يك مبارز واقعی بود. چندين بار هم به زندان افتاده بود.» اگر چه القاسم شعر محاوره‌ای عرب را دوست دارد اما ترجيح می‌دهد خود به زبان عربی اصيل بنويسد. «به‌عنوان يك عرب، من طرفدار وحدت اعراب در جهان عرب هستم. مردم عرب بايد به معنای واقعی كلمه متحد باشند نه آن‌كه به واسطه قدرت و اسلحه و هواپيماهای جنگی شانه به شانه هم قرار بگيرند.»**

**اين پاسخ القاسم به «جنايت سايكس-پيكات» به گفته خود اوست، يعنی توافق ديپلمات‌های انگليسی و فرانسوی در طول جنگ جهانی اول بر سر تكه تكه كردن خاورميانه در جهت اهداف و منافع غرب. «به‌عقيده من اين بزرگ‌ترين فاجعه در تاريخ عرب است.»**

**نتيجه اين‌گونه جنايات تاريخی، يكي از موضوعاتی است كه در تمامی اشعار القاسم ديده می‌شود. شعر «پايان گفت‌وگو با يك زندانبان» يكی از شناخته شده‌ترين اشعار اوست كه از نياز به پيدا كردن راه‌حلی برای پايان دادن به درگيری اسرائيل و فلسطين كه عدالت را برای تمام احزاب به ارمغان می‌آورد صحبت می‌كند. در اين شعر، قاسم به زندانبان می‌گويد: «از پنجره سلول كوچكم، تو را در سلول بزرگ‌تری می‌بينم». شاعر در توضيح اين شعر می‌گويد: «از آن‌جايی كه اين درگيری هم‌چنان ادامه دارد، او می‌تواند مرا در يك سلول كوچك زندانی كند، اما خود او هم يك زندانی است. تمام كشور سلول زندان اوست. اين فقط من نيستم كه زندانی‌ام.» اين تم در بخش اعظمی از آثار او حضور دارد و شاعر هم‌زمان در جست‌وجوی ارزش‌های انسانی است كه در دل اين مخاصمه وجود دارد.**

**از پايان گفت‌وگو با زندانبان: از پنجره‌های باريك سلول كوچكم / درختانی را می‌بينم كه به من لب‌خند می‌زنند/ و پشت بام‌هايی كه پرند از برادران و خواهرانم / و پنجره‌هایی گريان و دعاگويان برای من/ از پنجره‌های باريك سلول كوچكم / سلول بزرگ تو را می‌بينم !**

**القاسم در شعر «بليت سفر» كه نامه ای است خطاب به كسی كه او را خواهد كشت، آرزو می‌كند كه ای كاش قاتل از جيب او بليتش را بردارد و در جست‌وجوی صلح و آزادی سفر كند. گاهی انسانيت او با وجود آن همه ظلم و ستمی كه كشيده است، خواننده را به شگفت می‌آورد.**

**از بليت سفر: / روز مرگ من / قاتل در جيبم بليت‌هايی خواهد يافت/ يكی به‌سوی صلح / يكی به‌سوی دشت و باران / و ديگری به وجدان بشری / التماس می‌كنم، دورشان نينداز/ به تويی كه مرا كشته‌ای التماس می‌كنم: برو.**

**اشعار قاسم بارها ممنوع‌الچاپ شده و خودش بارها به زندان افتاده اما به ارزش‌هایی كه به آن‌ها باور دارد پای‌بند مانده است: «نژادپرستی، صهيونيسم، امپرياليسم: تنها در يك حالت است كه اين‌ها خواهند توانست ما را زير پا له كنند، اگر وادارمان كنند انسان دوستی را فراموش كنيم. هرگز نمی‌گذارم كسی انسان‌دوستی را از من بگيرد... انسان‌دوستی سنگر من است. من خواهم جنگيد و هيچ‌كس نمی‌تواند سنگرم را از من بگيرد.»**

**به اين‌جای گفت‌وگو كه رسيديم مكثی می‌كند تا سيگارش را روشن كند. لب‌خندی می‌زند و می‌گويد كه دكترش تاكيد كرده بايد سيگار را ترك كند. صحبت به شاعران جوان می‌شد. القاسم می‌گويد: «صداهای تازه بسياری اين روزها در دنيای شعر شنيده می‌شود، دختران و پسراني جوان كه به زيبايی شعر می‌گويند.»**

**او كه خود مدتی سردبير چند روزنامه و مجله بوده از تجربياتش با شاعران جوان می‌گويد: «بارها شاعران جوانی پيش من آمده‌اند و شعرهایشان را به من دادند تا بخوانم. هميشه به آن‌ها می‌گفتم ببين اين شعر شبيه شعرهای من است. برو شعری بنويس كه شبيه به خودت باشد. دوست ندارم شعرهايت شبيه به شعرهای من باشد. دوست دارم زبان خاص خودت و صورت خودت را در شعر ببينم.» اين عقيده راسخ اوست و دوباره در ادامه گفت‌وگو بر آن تاكيد می‌كند: «هميشه همين سياست را در پيش گرفته‌ام. اصلا دلم نمی‌خواهد شاعران نسل بعد از من شبيه به من باشند.»**

**با آن‌كه القاسم با شعرهايش نسل جوان شاعران را بسيار تحت تاثير قرار داده اما خود تاكيد می‌كند نسل جوان شاعران بايد راه خود را پيدا كنند. «دلم می‌خواهد نسل بعد شبيه به خودش باشد، كاملااصيل و بديع. در عشق‌ورزی، در آرمان‌خواهی، در خواندن و نوشتن و در يادگرفتن تاثيرپذير باشند اما اصالت و تازگی خود را حفظ كنند.»**

**دو سال پيش پزشكان تشخيص دادند القاسم مبتلا به سرطان است و از آن پس تحت درمان قرار گرفته. از او می‌پرسم رويارويی با مقوله مرگ تا چه اندازه بر شعر او تاثيرگذار بوده: «شاعر يك انسان است و بخشی از طبيعت... من از تغييرات در طبيعت تاثير می‌گيرم و جسم من بخشی از اين طبيعت است. به همين ترتيب بی‌شك هر تغييری در جسم من در نوشته‌هايم تاثيرگذار است.»**

**او ادامه می‌دهد: «آرام‌تر شده‌ام. اطمينانم كم‌رنگ‌تر شده است. گاه شك و ترديد به سراغم می‌آيد. اما هم‌چنان اميدوار و خوشبينم.» جرعه ای قهوه می‌نوشد و تكه‌ای از شعرش درباره مرگ را برايم می‌خواند:**

**ای مرگ! تو را دوست ندارم / اما وحشتی هم از تو در دل ندارم / جسم من تخت خواب توست / و روحم رواندازی كه به رويت می‌كشی / می‌دانم كه در كنار تو جايی برای من نيست / مرگ تو را دوست ندارم / اما وحشتی هم از تو در دل ندارم.**

**فراز و نشيب‌های زندگی القاسم در دنيای سياست بسيار زياد بوده است. تحولات ناگهانی، شورش‌ها، شكست‌ها و تغييرات جهانی. او كه در جوانی تحت تاثير پان‌عربيسم و افراط‌گرايی بوده حالا ديدگاه ديگری نسبت به دنيا دارد: «به‌عنوان يك مرد جوان،» اين را می‌گويد و با سيگاری كه در دست دارد به من اشاره می‌كند: «فكر می‌كنی هر چيزی كه می‌خواهی بايد به سرعت به انجام برسد... همين حالا، همين فردا... بايد اتفاق بيفتد.»**

**مكثی می‌كند، به فكر فرو می‌رود و ادامه می‌دهد: «اما من ديگر اين‌طور فكر نمی‌كنم. 75 سال عمر دارم. زمان و تجربه و زندگی، به من ياد داده كه نبايد عجله كنم و بايد به زمان احترام بگذارم و برای رخ دادن تغيير در جهان به انتظار بنشينم.» خشم و عصبانيت دوران جوانی‌اش را اين‌طور توصيف می‌كند: «سال‌های طولانی احساس تنهايی می‌كردم. فكر می‌كردم اين منم كه بايد حرف بزنم و دنيا بايد فقط گوش كند. اين دنيای پر از سياهی و بدی بايد صدای مرا بشنود.»**

**با وجود اين‌كه اشعار سميح القاسم در ميان مردم سراسر منطقه دهان به دهان می‌چرخد، برايش چندان اهميتی ندارد كه چه نامی و خاطره‌ای از خود به جا خواهد گذاشت: «باور كنيد هرگز از خودم نپرسيده‌ام كه بعدها مردم مرا چگونه به ياد خواهند آورد.»**

**«اگر مردم فلسطين آزاد شوند، اگر جهان عرب متحد شود، اگر عدالت اجتماعی در تمام جهان پيروز شود، اگر صلح در جهان برقرار شود، برای من مهم نيست كه آيا كسی مرا به ياد خواهد آورد يا نه. ابدا اهميتی ندارد.»**

**چشم‌انداز شعر او از جهان عرب فراتر می‌رود. «وقتی از انتفاضه می‌نويسم، وقايع مستند را روايت نمی‌كنم... از حس انتفاضه و معنای انتفاضه می‌نويسم و اين يعنی از چيزی انسانی و جهانی سخن می‌گويم.»**

**سميح القاسم در پايان باز به همه چيز خوشبين و اميدوار است: «اگر خوشبين نباشم حتی يك كلمه هم نمی‌نويسم. تغيير همين فردا رخ نخواهد داد اما روزی خواهد رسيد كه ما جهان را عوض كرده باشيم. اگر آن روز فردا نباشد، حتما روز بعد است:» او مثالی می‌زند و اين‌طور ادامه می‌دهد:«سنگ بازالت را تصور كن. اگر قطرات آب روی سنگ چكه كنند، امروز نه، فردا نه، يك ماه ديگر هم نه، يك سال ديگر هم نه اما روزی خواهد رسيد كه روی تخته سنگ حفره‌ای ساخته خواهد شد.»**

**نقش عنصر هنر در مبارزه مردم فلسطین**

**تمدن بشری، مملو از هنر انسان­هایی است که مسائل و دغدغه­ها را برای مردم توصیف کرده­اند. این مسایل، گاه فردی و گاه جمعی و گاهی نیز شورآفرین یا حزن‌انگیز بوده‌اند. هنر انسانی، نشان از هویت و برخاسته از افکار و جهان‌بینی آن است به‌­ویژه آن‌که شهروندان یک جامعه به‌دلایل مختلف ترجیح می‌دهند راهکار هنر را برای بیان مواضع خود، نگرانی­ها و نیز تاریخ و موجودیت خود به همه راه­کارهایی که برای آنان میسر است بیفزایند. زیرا با هنر می­توان هرگونه اختلاف سیاسی، اجتماعی، زبانی و حتی ملی و مذهبی را به کناری نهاد و با وجدان آگاه و عقل و منطق مخاطب در هر گوشه­ای از جهان درباره ارزش­های بشری از جمله آزادی و مبارزه و مقاومت آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه در برابر سرکوب آن‌ها ارتباط برقرار کرد.**

**در واقع شرایط خاص فلسطین، باعث پیدایش فرهنگ و هنر مقاومت اعم از موسیقی، عکس، نمایشنامه، شعر و ادبیات شده و ابعاد گسترده‌ای به‌خود گرفته است. رشته‌هایی مانند طراحی، کاریکاتور، خطاطی، نقاشی، مجسمه­سازی، پوستر، آثار حجمی، گلدوزی، سوزن‌دوزی، هنرهای مفهومی و غیره است.**

**با استناد به تحقیقات کارشناسان هنری، به‌صورت کلی می­توان هنر تجسمی فلسطین را به دو دوره قدیم یا باستان و دوره معاصر تقسیم‌بندی کرد که در این مجال به آن‌ها پرداخته می‌شود:**

**1- هنر قدیم فلسطین: در هنر قدیم که سال­های قبل از قرن بیستم را پوشش می­دهد، تمدن عربی فلسطین در ارتباط با داستان زندگی کنعانی‌ها و مسائل تاریخی برجسته می‌شد. در واقع هنر قدیم فلسطین نیز به نوبه خود به دوره­های متفاوتی تقسیم می­شود. دوره اول، هنر کنعانی است که اگرچه ترکیبی از تمدن‌های همسایه مانند تمدن عراقی، سوری، مصری، یونانی و قبرسی بوده است ولی تجلی­گاه این هنر، نحوه ادغام این واردات تمدنی و بومی‌سازی آن‌ها و ایجاد تمدنی جدید به نام کنعانی بوده است. این مرحله را نیز می­توان به به دو مقطع عصر اول‌‌(از آغاز حیات بشری تا هزاره اول قبل از میلاد) و عصر دوم‌(از هزاره اول قبل از میلاد تا پایان عصر یونانی رومی) تقسیم‌بندی کرد. ویژگی غالب در عصر اول از دوره کنعانی تقلید از تمدن­های دیگر و در عصر دوم تولید تمدنی جدید به نام کنعانی بوده است. لازم به ذکر است که کنعانی­ها نقش فراوانی در ایجاد تمدن فلسطینی داشتند و ساکنان اصلی این سرزمین محسوب می­شوند. در این زمان، حکمروایان کنعانی میان خود، رقابت و روابط خصمانه­ای داشتند که همین امر باعث شد هنر کنعانی رو به زوال باشد. با این حال، کنعانی­ها بیش‌تر به مجسمه‌سازی‌(دارای دو گرایش شرقی با تکیه بر موضوعات و روش قدیمی و گرایش غربی با موضوعات قدیمی اما روشی نو و ساختار شکنانه، کنده کاری‌(شامل دو نوع برجسته و فرو رفته در سطح)، پیکرتراشی و نقش­های برجسته و آثار فلزی‌(از جمله مجسمه­های نقره­ای و برنزی) علاقمند بودند.**

**دوره دوم، دوره هنر تصویر سازی مسیحی است که یادگار دوران تسلط مسیحیان بر فلسطین در صدها سال پیش از فتح آن به دست مسلمانان و نیز آثار قدیمی مسیحی طی دوران پس از اسلام است. این نوع هنر را می­توان در ساخت کلیساها، پیکرتراشی و آثار کنده­کاری شده مشاهده کرد.**

**دوره بعدی نیز دوره هنر «اسلامی» است که ترکیبی از هنر تمدن­های مختلف در مراحل متفاوت صدر اسلام، اموی، عباسی و عثمانی تا قبل از قرن بیستم به شمار می‌رود. دوران طلایی فلسطین در زمان سلیمان قانونی‌(1520-1566م) یکی از پادشاهان «هنردوست» عثمانی نیز در این دوره قرار دارد. از جمله هنرهای مطرح در این زمان­ها، هنر مهندسی و معماری، مسجد سازی، تصویرگری با خط و تصاویر، کاشی­کاری، گچبری، آثار فلزی و غیره بوده است.**

**در این زمان به دلیل این‌که حکومت طولانی عثمانی­ها، اصالت «ترکی» داشت و خلیفه‌های عثمانی طبیعتا توجه زیادی به هنر و ابتکار بومی و عربی نداشتند، هنر فلسطین محیط مناسبی برای رشد نیافت. از این‌رو، رشته­های هنری غربی در دوران معاصر مورد توجه بیش‌تر مردم فلسطین قرار گرفت. کارشناسان هنری فلسطینی همانند فواد طوبال، برگزار نشدن نمایشگاه هنری در این دوران را شاهدی بر این مدعا می‌دانند.**

**2- هنر تجسمی فلسطین در قرن بیستم: در دوره معاصر یعنی پس از قرن بیستم، موج نوگرایی در هنر به وجود آمد که این امر به دلایل متعددی از جمله تقسیم اراضی امپراطوری عثمانی طی قرارداد سایکس- پیکو در سال 1916، شروع دوران قیمومیت انگلیس بر فلسطین و سفر برخی از هنرمندان عرب به اروپا صورت گرفت. چنین شرایطی باعث به وجود آمدن مکاتب مختلف از جمله رئالیسم، اکسپرسیونیسم‌(مبتنی بر واکنش به یک واقعه و تفسیر شخصی یک رخداد)‌ و امپرسیونیسم‌(مبتنی بر انتقال عینی حوادث بدون دخالت انسان) در جهان عرب به ویژه فلسطین شد. فلسطینی­ها نیز با بهره­گیری از فرهنگ خود تلاش کردند که در این حوزه­ها وارد شده و آثاری هنری خلق کنند.**

**آنان در این زمینه گاه به موضوع­های سنتی و هنرهای موروثی می­پرداختند و گاه نیز به هنر مردم کوچه و بازار توجه داشتند. در این راستا هنرهایی همانند نقاشی و نگارگری، خطاطی، تذهیب، خراطی، حکاکی روی فلزات و سنگ، نساجی، میناگری و گلدوزی بیشتر مورد توجه هنرمندان بود. علاوه بر این باید خاطر نشان کرد که تا قبل از اشغال فلسطین، هنر تجسمی از زندگی مردم دور بود و به طبقات مرفه جامعه و هنرپیشگان اختصاص داشت. در همین زمینه، بیش‌تر کارشناسان فلسطینی بر این عقیده‌اند که هنر تجسمی فلسطین به صورت جدید پس از سال 1948 پدیدار شد زیرا انگلستان در دوران قیمومیت خود بر فلسطین، با وضع دو نظام آموزشی برای عرب­ها و یهودیان تلاش کرد از طریق برنامه­های آموزشی خاص، عرب­ها را از هرگونه پیشرفت هویتی و فرهنگی بازدارد.**

**اما پس از اشغال بخش­هایی از فلسطین در سال 1948، موضوعات دیگری نیز به این هنر افزوده شد و علاوه بر ابعاد تاریخی و انسانی، جنبه سیاسی و ملی و وظیفه دفاع از حقوق مردم فلسطین را نیز به خود گرفت. دفاع از زمین، انقلاب، آزادی، مقاومت در برابر اشغال‌گران و عصیان در برابر واقعیت­های جدید از این موضوع­ها به شمار می‌رفتند.**

**شدت فاجعه و میزان مهاجرت اجباری و کشتارها به‌اندازه­ای بود که هنرمندان، موضوع­های عادی آثار خود مثل طبیعت و اجسام بی­جان و غیره را به کناری نهادند و بیشتر آنان در ابتدا به بیان ابعاد این فاجعه و نفرت از حکومت­های عرب و در مرحله بعد به فعالیت و درخواست برای آزادی مردم پرداختند. آوارگی، اشغال، غربت، زندگی در اردوگاه،‌شوق میهن از جمله موضوع‌هایی بود که در هنر این دوران مشاهده می‌شود.  
پس از این زمان، هنرمندان فلسطینی توانستند با استفاده از فضای به وجود آمده، یک خیزش و حرکت هنری را در جامعه به وجود آورند که هنرمندان دیگر نقاط جهان نیز از آن متاثر شوند. به عنوان مثال، اسماعیل شموط یکی از نمایندگان به‌نام هنر فلسطینی و موسس «دایره فرهنگ هنری سازمان آزادی‌بخش فلسطین» در سال 1965 بود که در سال 1954، جمال عبدالناصر، نمایشگاه آثار هنری او را در قاهره برپا کرد و سپس نمایشگاه­هایی از هنر فلسطین در آمریکا، اروپا و نیز کشورهای دیگر برپا شد. در همین راستا نیز باید از منی سعودی، خانم هنرمند فلسطینی نام برد که در کنار اسماعیل شموط از پیشگامان هنر معاصر فلسطین محسوب می­شود. وی در سال 1977، بخش هنرهای تجسمی را در قسمت اطلاع‌رسانی ساف اداره می­کرد.**

**نکته قابل توجه در این دوران، نقش هنر در جلب افکار عمومی به قضیه فلسطین بود. البته باید در این میان نقش کاریکاتوریست­های فلسطینی را از یاد نبرد. به عنوان مثال، ناجی العلی، کاریکاتوریست مشهور فلسطینی‌(1937- 1987) که سرانجام به دست موساد در انگلیس به قتل رسید، با خلق شخصیت حنظله، پسرک فلسطینی در آثار خود، نقش فراوانی در بیان تراژدی مردم فلسطین داشت که تا زمان مرگ وی بیانگر گوشه‌هایی از زندگی و افکار فلسطینی‌ها بود.**

**لازم به ذکر است که پس از جنگ 1967 و آوارگی موج دیگری از ملت فلسطین، با وجود دستورهای نظامی حکومت اسرائیل درباره ممانعت از گردهمایی­ها و مقابله با فلسطینی­ها، هنر فلسطین به‌شدت تحت تاثیر این واقعه قرار گرفت و با رد تسلیم شدن به این شکست، به‌سمت مقاومت مسلحانه و روحیه انقلابی گرایش یافت.**

**حکومت اسراییل، تلاش کرده است در موج هنری فلسطین نفوذ کرده و در راستای اهداف خود به فعالیت هنرمندان فلسطینی جهت بدهد. در این رابطه باید از پدیده موسوم به «فرهنگ اسلو» و عادی‌سازی روابط با حکومت اسرائیل و نفوذ آن در فرهنگ و هنر مقاومت نام برد.**

**البته در این میان باید به هنر گلدوزی و سوزن دوزی، نساجی و خیاطی و بخش مهمی از جامعه فلسطین یعنی زنان به‌عنوان عوامل ساخت و ترویج این آثار هنری اشاره کرد. اگرچه این هنر در چهارچوب صنایع دستی فلسطین، پیشینه و تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. زنان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر از اشغال‌گری، متضرر از اسارت مردان فلسطینی و شرایط نابسامان جامعه در ابعاد مختلف، بار زیادی را در خانواده و جامعه فلسطینی به دوش می­کشند که همین امر باعث روی آوردن آنان به این هنر و جای گرفتن آن در بخش هنرهای مردمی و سنتی شده است. البته این هنر نیز با روحیه مقاومت آمیخته شده و نقش به‌سزایی را در ترویج باورهای مردم به خود اختصاص داده است.**

**حکومت اسراییل، با هر آن‌چه که هویت و تاریخ و فرهنگ فلسطین را یادآوری کند، مخالفت کرده و برای نیل به این مقصود راه­های متفاوتی را در پیش گرفته است.**

**حکومت اسراییل پس از جنگ 1967 و اشغال کرانه باختری و نوار غزه، مجموعه­ای از فرمان­های نظامی را صادر کرد که در میان آن‌ها منع تجمع و گردهمایی فلسطینی­ها دیده می­شد. همین امر، تاثیری منفی در فرهنگ و هنر فلسطین به جای نهاد که البته با تلاش مردمی هنر فلسطین با رویکرد مقاومت به حیات خود و انجام رسالت­های هنر متعهد ادامه داد. هم‌چنین سانسور و ممانعت از چاپ و نشر آثار فرهنگی و اعمال محدودیت علیه هنرمندان نیز از دیگر اقدامات اسرائیل به‌شمار می­روند. علاوه بر این حکومت اسرائیل تلاش می­کند مانع رسیدن مواد خام به‌ویژه به بخش گلدوزی و نساجی شود. در همین راستا محاصره نوار غزه، تاثیری منفی بر این بخش داشته است.**

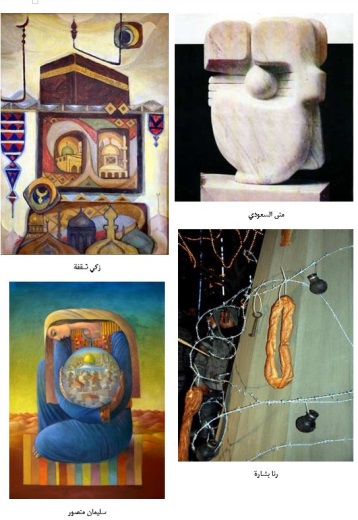
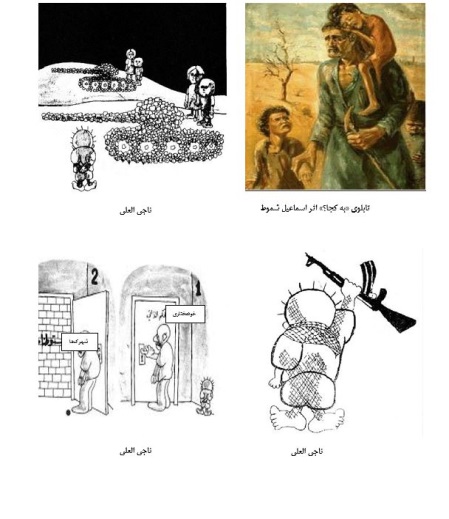
**نیروهای اسرائیلی با روش­های متفاوت تلاش می­کنند که آثار هنری فلسطینی‌ها را به دست آورند. حفاری غیر مجاز در مناطق فلسطینی و تماس با گروه­های مافیایی برای به‌دست آوردن آثار هنری فلسطین از جمله این روش­ها هستند. به‌گفته باستان شناسان فلسطینی، حکومت اسرائیل سالانه هزار اثر هنری باستانی را از اراضی فلسطینی سرقت و از این راه درآمد کلانی به‌دست می­آورد. قابل ذکر است که بسیاری از این آثار به کشورهای اروپایی با قیمت­های گزاف فروخته شده‌اند. شایان ذکر است که این حکومت، آثار مذکور را بری اثبات هویت ادعایی خود از تورات به‌کار می­برد. در این راستا باید به حفاری­های زیر مسجد الاقصی نیز اشاره کرد که باعث آسیب‌رساندن به ساختمان آن شده است. در همین زمینه 120 گروه «صهیونیست» مشغول به کار هستند.**

**حکومت اسرائیل با تحریف تاریخ و استفاده از آثار کنعانی به‌عنوان یادگار گذشته قوم یهود، تمدن گذشته فلسطین را مصادره و به‌نام خود معرفی می­کند و نامی از عرب­ها و فلسطینی­ها به میان نمی­آورد. به‌عنوان مثال با این‌که در موزه­های اورشلیم، آثار باستانی زیادی از اریحا و دیرالبلح در مورد دوره کنعانی­ها کشف شده است، اسرائیلی‌ها روایت خود از تاریخ را به گردشگران و بازدیدکنندگان موزه ارائه می­دهند یعنی با حذف فلسطینی­ها، خود را از تبار کنعانی­ها معرفی کرده و مدعی ایجاد این آثار به‌دست پدران خود هستند. در این اماکن، بخشی به نام آثار یهودی وجود دارد که همه آن‌ها درخارج از فلسطین کشف شده­اند اما برای اثبات ادعای حکومت اسرائیل درباره حق تاریخی اسراییل در سرزمین فلسطین به­کار می­روند.**

**با توجه به مطالب گفته شده که از منابع مختلف خبری و گزارشی جمع‌آوری کرده‌ام می­توان گفت که هنر فلسطین به‌عنوان ابزاری در دست هنرمندان متعهد و پیشرو این منطقه با بهره‌گیری از تجارب تاریخی و اشغال‌گری کرده است تا به بیان آوارگی و تراژدی یک جامعه بپردازد.**

**هنرمندان فلسطینی توانسته­اند در سطح جهانی، پیام مردم فلسطین، انتفاضه­ها و رویکرد مقاومت را در آثار خود به مخاطبان برسانند و در تضعیف جایگاه حکومت اسرائیل در افکار عمومی جهان سهیم باشند.**

**موارد زیر نمونه­ای از آثار هنرمندان فلسطینی هستند:**

****

****

**واکنش سران حکومت اسرائیل به جنبش بایکوت این حکومت**

**توجه گسترده رسانه‌های جهانی و تحریم موجود از سوی برخی شرکت‌ها و تجمعات بزرگ آکادمیک بر علیه فعالیت‌های ضدانسانی حکومت اسرائیل باعث ناراحتی سران این حکومت شده است. آن‌ها از فقدان موقعیت جهانی خود وحشت‌زده هستند. به همین دلیل کابینه اسرائیل در ژوئن 2013 جنبش بی.دی.اس را تهدیدی استراتژیک برای موجودیت اسرائیل قلمداد کرد. نگرانی حکومت اسرائیل از روند رو به رشد تحریم این حکومت از زبان بسیاری ‌از مقامات اسرائیلی مطرح شده است. یائیر لاپید وزیر امور مالی سابق اسرائیل در این رابطه گفته است:‌ «عدم احساس تاثیرگذاری تحریم‌ها در شرایط کنونی به این علت است که این روند تدریجی است، اما اوضاع کنونی بسیار خطرناک است.»**

**هم‌چنین وزارت امور مالی اسرائیل گزارشی را منتشر کرد که در آن تاکید شده بود دی.بی.اس بزرگ‌ترین خطر فراروی اقتصاد حکومت اسرائیل است. واکنش مقامات اسرائیل، موفقیت‌های متوالی جنبش بایکوت اسرائیل و قدرت آن برای تغییر قواعد بازی را به خوبی نشان می‌دهد.**

**حکومت اسرائیل، برای مقابله با این جنبش و فعالان آن دو استراتژی مرتبط با هم در پیش گرفته است: اول سرکوب داخلی و دوم تحریک متحدان خارجی خود بر علیه آن.**

**کنیست اسرائیل در سال 2011 قانونی موسوم به قانون تحریم را به‌تصویب رساند، این قانون از سوی دادگاه عالی حکومت اسرائیل در آوریل سال 2015 بر علیه تمام کسانی که خواستار تحریم اسرائیل هستند، به تصویب رسید. این قانون اجازه تعقیب قانونی و درخواست غرامت از کسانی که هویت اسرائیل داشته و خواستار تحریم آن به هر شکلی هستند را می‌دهد.**

**قانون مذکور، هم‌چنین به وزیر امور مالی اسرائیل حق می‌دهد تحریم‌های اقتصادی بزرگی بر علیه موسسات اسرائیلی که خواستار تحریم این حکومت هستند، اعمال کنند. علاوه بر این که حکومت اسرائیل روند سرکوبگری مستمری را بر ضد فعالان این جنبش در پیش گرفته و فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی در تعقیب و رصد آن‌ها را افزایش داده است.**

**اسرائیل به خوبی می‌داند که مبارزه‌اش تنها در سطح اراضی اشغالی فلسطین نیست، بلکه مبارزه‌ای است که باید در تمامی عرصه بین‌الملل و رسانه‌های تبلیغاتی و مراکز تاثیرگذار در آن وارد شود، به‌همین علت حکومت اسرائیل ماشین تبلیغاتی گسترده خود را که یبش از 100 میلیون شیکل برای آن هزینه می‌کند، به‌خدمت گرفته است.**

**این حکومت، هم‌چنین سفارت‌خانه‌های خود در تمامی نقاط مختلف دنیا را برای مقابله با روند رو به رشد بومی و بین‌المللی جنبش بی.دی.اس بسیج کرده است. اسرائیل، هم چنان سعی دارد از متحدان خود در آمریکا و اروپا در این راستا کمک بگیرد و تحرکات حقوقی گسترده‌ای را بر علیه رویکردهای بایکوت اسرائیل دنبال کرده و سعی دارد قوانینی را برای جرم شناختن آن به‌تصویب برساند. تمامی این اقدامات برای کاستن از تاثیر تحریم اسرائیل و منصرف کردن ساطمان های مختلف برای ورود به این روند است.**

**برای مثال، پیتر روسکام و دان لبینسکی دو تن از نمایندگان کنگره آمریکا از ایالت ایلینوی، اخیرا پیش‌نویس قانونی را ارائه کردند که به توقف تمامی منابع تأمین مالی فدرالی از موسسات آکادمیک مشارکت کننده در بایکوت علمی اسرائیل رای داده است. این اقدام بعد از آن صورت گرفت که جمعیت مطالعات آمریکایی، موسسات آکادمیک حکومت اسرائیل را تحریم کرد.**

**هم‌چنین یکی از بندهای پیش‌نویس طرح مذکور سرمایه‌گذاری دولتی در موسسات آموزشی یا دانشگاهی که در تحریم آکادمیک اسرائیل نقش دارند را ممنوع می‌کند. علاوه بر این‌ها متحدان اسرائیل به دنبال تصویب قوانینی هستند تا فعالیت‌های تحریم آکادمیک حکومت اسرائیل را در قالب «یهودی ستیزی» قرار داده و برای آن‌ها مجازات‌هایی وضع کنند، مانند اتفاقی که در مارس گذشته در ایالت ایلینوی آمریکا افتاده است. آن‌ها هم‌چنین سعی دارند تحریم کالاهای اسرائیلی را «نژادپرستی» قلمداد کرده و آن را جرم به‌شمار آورند. یکی از دادگاه‌های فرانسه چنین حکمی صادر کرده است.**

**علاوه بر این‌ها متحدان حکومت اسرائیل در آمریکا اقدامات تاثیرگذاری بر علیه شرکت‌ها و موسسات تحریم‌‌کننده اسرائیل آغاز کرده و رویکرد تقابل بین‌المللی با آن را دنبال می‌کنند. به عنوان، مثال شیلدون ادلسون میلیاردر آمریکایی - صهیونیستی معروف تلاش زیادی برای توقف رویکرد تحریم اسرائیل در آمریکا از طریق تاثیرگذاری بر مقامات سیاسی و مالی واشنگتن انجام می‌دهد.**

**تلاش‌های حکومت اسرائیل در تقابل با جنبش بی.دی.اس برخی دستاوردها و موفقیت‌ها را برای این حکومت به دنبال داشته است، این موضوع به‌‌ویژه در زمینه لغو تصمیم به تحریم حکومت اسرائیل در برخی شرکت‌ها دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، مجموعه‌ای از مراکز تجاری در شمال سوئد که بالغ بر 655 شاخه در مناطق مختلف این کشور داشتند با تلاش‌های حکومت اسرائیل، تصمیم خود برای تحریم تولیدات اسرائیلی را لغو کردند. در این راستا هم‌چنین می‌توان به درگیری اخیر بین کابینه حکومت اسرائیل و مجموعه شرکت ارتباطات «اورنج» فرانسه اشاره کرد که نشان می‌دهد حکومت اسرائیل از تمامی پتانسیل خود برای مقابله با جنبش بایکوت اسرائیل استفاده می‌کند.**

**در این راستا، استفان ریچارد رییس شورای اداری موسسه فرانسوی اورنج در آغاز ژوئن 2015 در قاهره از آمادگی شرکتش برای خروج از بازار اسرائیل در صورت مجوز داشتن برای لغو قراردادهای امضاء شده بین دو طرف خبر داد و گفت که این تصمیم را برای ابراز هم‌دردی با احساسات مشتریان این شرکت در جهان عرب گرفته است. ریچارد که شرکت متبوعش 28 درصد از بازار تماس‌های بی‌سیم در سرزمین‌های اشغالی را در اختیار دارد، بعد از فشارهای گسترده از سوی کابینه اسرائیل یا فرانسه خیلی زود از اظهارات خود عقب‌نشینی کرد. با وجود این که شرکت فرانسوی بعد از این اظهارات اعلام کرد که هم‌چنان در بازار اسرائیل باقی خواهد ماند و رویکردهای تحریم بر علیه اسرائیل را رد می‌کند، اما این روند بار دیگر نشان داد که تحریم اسرائیل به‌عنوان سلاحی کاری بر علیه مقامات حکومت اسرائیل است.**

**در زمینه  تحریم آکادمیک اسرائیل نیز، حکومت اسرائیل تاکنون موفق شده از طریق متحدان خود فشارهای زیادی را بر برخی دانشجویان و دانشگاه‌های فعال در این عرصه وارد کند، این تلاش‌ها به عنوان مثال، به ممنوع شدن فعالیت در برخی سازمان‌های دانشجویی حامی آرمان فلسطین منجر شده است.  مانند اتفاقی که در دانشگاه نورث استرن در بوستون آمریکا در مورد جنبش دانشجویی برای عدالت در فلسطین‌(SJP) رخ داد. هم چنین برخی احکام قضایی بر ضد دانشجویان فعال در این عرصه به ویژه در ایالت کالیفرنیا صادر شده است.**

**با وجود این تلاش‌ها، حکومت اسرائیل به سختی می‌تواند از نگرانی‌های سرمایه‌گذاران بکاهد، این روند باعث کاهش ارزش شرکت‌های هدف شده و شرکت‌های بیش‌تری را به سمت تحریم اسرائیل جذب می‌کند، به‌ویژه اگر این شرکت‌ها احساس کنند که ممکن است در صورت ایجاد مناسبات تجاری با اسرائیل در معرض تعقیب قانونی قرار بگیرند. این روند می‌تواند تصمیم اولیه برای سرمایه‌گذاری یا ورود در مشارکت‌های میان مدت یا دراز مدت با اسرائیل را از همان ابتدا مهار نماید، ‌به ویژه این‌ که 17 دولت اروپایی از شرکت‌ها و شهروندان خود خواسته‌اند تا وارد پروژه‌های اسرائیلی در اراضی اشغالی نشوند.**

**علاوه بر این‌ها موفقیت‌های متوالی جنبش بی.دی.اس در ابعاد اقتصادی و آکادمیک به افزایش تمرکز و پوشش خبری و تبلیغاتی در رابطه با فعالیت‌های این جنبش و دستاوردهای آن منجر می‌شود و این موضوع می‌تواند شاخص بزرگی از موفقیت جنبش به‌شمار می‌رود.**

**لابی‌های «صهیونیسم»**

**لابی­‌های صهیونیستی با نفوذ بالایی که در اروپا و به ویژه در کشورهای فرانسه و انگلیس و تا حدودی آلمان دارند، در مقابله با هر اقدامی که منافع اسرائیل را در اروپا به خطر اندازد وارد عمل می‌‌شوند. وابستگی کشورهای اروپایی و خصوصا چهره‌های سیاسی و شخصیت‌های برجسته آن‌ها به اقتصاد و منابع پولی- مالی لابی­‌های صهیونیستی امری غیرقابل انکار است و همین موضوع وسیله‌ای شده است تا لابی اقتصادی صهیونیست‌ها از نفوذ خود برای مقابله با طرح­‌های ضداسرائیلی در اروپا بهره گیرند.**

**لابی­‌های «صهیونیسم» در کشورهای اروپایی بسیار فعال­‌اند تا آن‌جایی که پای منافع اسرائیل در میان باشد، دارای نفوذ و قدرت تاثیرگذاری بالایی در رسانه‌ها و سیاست خارجی آن‌ها هستند. این لابی­ها نه تنها در سطح سیاسی و تصمیم­‌سازی کشورهای اروپایی تاثیرگذارند، بلکه با در اختیار داشتن حجم قابل اعتنایی از رسانه­‌های دسته­‌جمعی هم‌چون شبکه‌های اجتماعی، رادیو، تلویریون و مطبوعات، سیاست­‌های مدنظر خود را پیگیری می­‌کنند.**

**برای مثال در فرانسه، حدود یک میلیون یهودی زندگی می‌کنند. در حال حاضر، بیش از صد مجمع و سازمان یهودی در فرانسه وجود دارد و هر یک از احزاب فعال در داخل اسرائیل در پاریس نیز دفتر دارند. در سال 1977، گروه‌های مختلف یهودی در فرانسه، با یکدیگر ادغام شدند و «شورای نمایندگی موسسات یهودی در فرانسه»‌(کریف) را تشکیل دادند. کریف، پیگیری منافع حکومت اسرائیل در داخل فرانسه و در چارچوب سیاست خارجی پاریس را برعهده دارد و همتای فرانسوی «آیپک» محسوب می‌­شود. هم‌چنین این گروه که بسیاری از روزنامه‌ها، مجلات، شبکه‌های تلویزیونی و شرکت‌های خدمات ماهواره‌ای را در اختیار خود دارد، نفوذ بسیار زیادی در نهادهای سیاسی و حقوقی فرانسه دارد. ضمن این که تعداد زیادی از شرکت‌های بسیار سودده اقتصادی و مالی نیز در اختیار این لابی یهودی قرار دارد.**

**یکی دیگر از لابی­‌های حکومت اسرائیل در فرانسه «اتحادیه کارفرمایان و پیشه‌وران یهودی فرانسه» نام دارد که به داشتن مواضع افراطی مشهور است. این اتحادیه با نفوذ خود بر سیاست فرانسه می‌کوشد از منافع حکومت اسرائیل در آن کشور و روابط خارجی آن کشور حفاظت کند. بیش ترین نمود نفوذ لابی صهیونیسم در فرانسه را می‌توان در زمان تبلیغات انتخاباتی در این کشور دید. در میان احزاب فرانسوی، رابطه نزدیک‌تری با حکومت اسرائیل وجود دارد و عمدتا رهبری این احزاب، برخی برنامه‌های کاری خود به‌ویژه در بخش سیاست خارجی را با سران تل‌آویو تنظیم می‌کنند. از جمله اقدامات لابی صهیونیسم در فرانسه، تحت فشار قراردادن شرکت‌های ارائه خدمات به تلویزیون‌های ماهواره‌ای ضد حکومت اسرائیل است.**

**برخی از تصمیماتی که در پارلمان انگلیس گرفته می‌شود، حاصل فعالیت و تاثیرگذاری لابی صهیونیستی در این پارلمان است. هر یک از سه حزب مهم سیاسی انگلستان‌(کارگر، محافظه‌کار و لیبرال‌دموکرات) گروه‌های دوستان حکومت اسرائیل دارند که از نظر بسیاری از سیاست‌مداران، عضویت در این گروه­ها، راهی برای موفقیت انتخاباتی به‌شمار می‌رود. در انگلستان مرکز ارتباطات و تحقیقات انگلستان- اسرائیل، ظاهرا مهم‌ترین لابی طرفدار حکومت اسرائیل است که همتای انگلیسی آیپک به حساب می­‌آید. این مرکز که در سال 2001 تاسیس شد، مورد حمایت مالی «پوجو زابلودویکز»، میلیاردر فنلاندی و دلال سابق تسلیحات قرار دارد. هم‌چنین او کمک‌کننده اصلی به حزب محافظه‌کار است. مطابق آمار کمیته انتخاباتی، او 70 هزار پوند به حزب محافظه‌کار از جمله 15 هزار پوند برای انتخاب دیوید کامرون به عنوان رهبر حزب کمک کرده است.**

**فدراسیون صهیونیستی بریتانیای کبیر و ایرلند، هیات نمایندگان یهودیان بریتانیا، فدراسیون جوانان صهیونیست، سازمان بین­‌المللی زنان صهیونیست بریتانیا، صندوق ملی یهودیان بریتانیا، موسسه پژوهش سیاست یهودی از جمله دیگر لابی­‌هایی هستند که در راستای منافع حکومت اسرائیل در بریتانیا فعال هستند. در حالی که یهودیان تنها نیم درصد از جمعیت بریتانیا را شامل می­‌شوند، اما تقریبا کنترل انحصاری رسانه­‌های این کشور را بر عهده دارند و به طور سیستماتیک تبلیغات مدنظر حاکمیت اسرائیل در آن‌ها را تامین می­‎کنند. شبکه تلویزیونی ایندپندنت تی‌وی، شرکت تلویزیونی گرانادا، شرکت تلویزیونی پاین­وود- شپرتون، شرکت روزنامه­‌های اکسپرس، شرکت نیوز اینترنشنال، گروه تلگراف و روزنامه دیلی‌میل از جمله رسانه­‌های تحت نفوذ اسرائیل در بریتانیا هستند. بنابراین، انگلستان و فرانسه مدافع جدی حکومت اسرائیل در اروپا هستند.**

**لابی صهیونیسم علاوه بر تاثیرگذاری در سیاست‌های کشورهای اروپایی، در سیاست‌های جمعی اتحادیه اروپا نیز نفوذ دارد. اساساً سند عملیاتی که روابط میان دو طرف را هدایت می‌کند، توافق‌نامه مجمع اتحادیه اروپا- اسرائیل است که در 20 نوامبر 1995 در بروکسل امضا شد و پس از آن در 15 پارلمان کشورهای عضو، پارلمان اروپا و کنست‌(پارلمان اسرائیل) به تصویب رسید و در 1 ژوئن 2000 به اجرا درآمد. ویژگی‌های مهم توافق‌نامه مجمع اتحادیه اروپا- اسرائیل شامل گفت‌وگوی سیاسی منظم در مورد آزادی تاسیس و آزادسازی خدمات، انتقال آزاد سرمایه و قوانین رقابتی، تقویت همکاری اقتصادی و همکاری در مسائل اجتماعی است.**

**یکی دیگر از سازمان‌های مهم لابی صهیونیسم در اروپا، موسسه فراآتلانتیک مستقر در بروکسل است. موسسه فراآتلانتیک سال 2004 کار خود را در بروکسل آغاز کرد و از آن هنگام تا به امروز، نشست‌هایی هفتگی با نمایندگان ارشد کشورهای اروپایی برگزار کرده است. در سال 2005،‌ کمیته یهودیان آمریکا پس از مشورت با «مرکز نظارت بر نژادپرستی و بیگانه‌هراسی و اتحادیه ضدافترا» به‌منظور «اتخاذ تعریفی موثر از یهودستیزی»، لابی‌گری گسترده و اثرگذاری صورت داد. آن‌ها اتحادیه اروپا را متقاعد کردند انتقاد از رژیم صهیونیستی می‌تواند شکلی از یهودستیزی باشد که در واقع چنین اقداماتی در راستای جلوگیری از اطلاع‌رسانی نهادها و رسانه‌های مستقل اروپایی در مورد جنایات حکومت اسرائیل در منطقه صورت می‌گیرد.**

**اعتراضات اروپاییان به اقداماتی مانند شهرک­سازی، تشکیل گروه­‌های مختلف حامی فلسطین، تظاهرات و راهپیمایی‌‌های اعتراضی، ایجاد صفحات مجازی اینترنتی «ضدصهیونیستی و آنتی سمیتیستی»، برچسب‌زنی محصولات شهرک‌های اسرائیلی، راه­‌اندازی کمپین تحریم، بایکوت و سرمایه­‌برداری، فشار بر حکومت­ها و نهادهای تصمیم‌گیرنده برای اتخاذ شیوه­‌های جدّی­‌تر در سطوح دیپلماتیک علیه اسرائیل و... از جمله مهم‌ترین مواردی است که نشان می­‌دهد افکار عمومی اروپا نسبت به حکومت اسرائیل منفی است و در نتیجه‌ این فشار افکار عمومی است که بسیاری از موسسات مالی، بانک­‌ها و شرکت­‌های اقتصادی مجبور به تجدیدنظر در روابط خود با این رژیم شده­‌اند. طرح­‌های مقامات اروپایی برای تحریم حکومت اسرائیل نیز در قالب همین فشار افکار عمومی اروپایی قابل ارزیابی است. بنابراین، با در نظر داشتن ظرفیت دموکراتیک افکار عمومی اروپایی برای تاثیرگذاری بر جامعه و سیاست خود و هم‌چنین جنبش بین­‌المللی تحریم حکومت اسرائیل باید توان خود را برای تاثیرگذاری هر چه بیش‌تر، بر افکار عمومی اروپا متمرکز کند.**

**در این میان حاکمیت آمریکا، همواره یکی از حامیان اصلی حکومت اسرائیل و جنگ‌ها و سرکوب‌های ظالمانه این حکومت علیه مرم رنج‌دیده فلسطین بوده است. ترامپ رییس جمهوری جدید آمریکا نیز حامی حکومت اسرائیل و حتی از شهرک‌سازی‌ها در مناطق اشغالی 1967 حمایت کرده است.**

**جمعه بیست و دوم اردیبهشت 1396- دوازدهم مه 2107**

**ادامه دارد**

**\* فیلم مستند سراب دولت فلسطین**

**شنبه ، ۱۶ آبان ۱۳۹۴؛ ۰۷ نوامبر ۲۰۱۵**

**محاصره وحشتناک نوار غزه بی‌رحمانه ادامه دارد**

**فلسطین آوردگاه اخلاق بشری و میعادگاه عاشقان زندگی است**

**فلسطین در جدال زمین و آزادی با مرگ نحس پنجه در افکنده است**

**بچه ها به یاری آن دیر آشنا بشتابیم!**

**اثرسابرینا دیتوس**

**ترجمه و زیر نویس فارسی: فریدون حسین زاده**

[**https://www.youtube.com/watch?v=ojYOKy9JuK4&feature=em-subs\_digest-g**](https://www.youtube.com/watch?v=ojYOKy9JuK4&feature=em-subs_digest-g)

**منبع: سایت پیکار و اندیشه**